

انقلاب و ضد انقلاب در کشور ما

نخست وزیر، هیئت دولت را به مجلس معرفی کرد



دوره هفتم، سال دوم، شماره ۳۲۲
دوشنبه، ۱ شهریور ۱۳۵۹، بها: ۱۵ ریال

فرمان رهبر، به پیمان حزب (سرود آمدگی)

ندا میدهد انقلابت که باز چراغ نگه دار و آماده باش به فرمان رهبر، به پیمان حزب به پیوند با خلق آزاده باش

سپاه ددان از کران تا کران زهرسو گرفته ترا در میان بر این حلقه تنگ و نامردمی تکیی ز خون شجاعت نشان

پرآرز داد و ز دانش علم فراهم کن از خلقها توده ای که همراه و همگام و همدستان بسازیم فردای آسوده ای

به پیوند این دست و بازوی کار بشوریم برفوج سرمایه دار نمائیم و بیکار پایان دهیم دگرگونه سازیمشان روزگار

ممانیم تک قطره های جدا فدایین شط تاریخ، یکجا شویم برآریم از موجها، موجها کران سنگ و جاوید دریا شویم

سیاوش کسرانی
شهریور ۱۳۵۹

بمناسبت یازدهمین سالگرد انقلاب لیبی

تحکیم مناسبات دوستانه بین ایران و لیبی، بسود پیکار متحد علیه امپریالیسم و صهیونیسم است

اصل ملی کردن بازرگانی خارجی و فعالیت وزارت بازرگانی

در جلسه دیروز مجلس شورای اسلامی ایران، حجت الاسلام هاشمی رفسنجانی رئیس مجلس، نامه آقای محمدعلی رجائی نخست وزیر را مبنی بر معرفی هیئت دولت، قرائت کرد. متن نامه و اسامی اعضای هیئت دولت بشرح زیر است:

به تاریخ ۹۹۶۹۹۹
رئیس محترم مجلس شورای اسلامی
بدنیال مذاکراتی که باریاست جمهوری بعمل آمد، قرار شد هیئت دولت به مجلس معرفی شود. براین اساس صورت اسامی

همکاران خود را به پیوست به آگاهی رساند. اینجانب آمادگی دارم تا برای اعلام برنامه و کسب نظر نمایندگان محترم، در اولین فرصت در مجلس شورای اسلامی حاضر شوم.

محمدعلی رجائی
نخست وزیر جمهوری اسلامی ایران
اسامی وزرا:
۱- اقتصاد و دارائی، برنامه و بودجه، امور اداری و استخدامی: محمد نوربخش
۲- مشاور و سرپرست سازمان برنامه و بودجه: سیداسماعیل داودی
۳- بهداشتی: دکتر منافی

۴- مشاور و سرپرست بهزیستی: محمدعلی فیاضی بخش
۵- پست و تلگراف: محمود قدی
۶- راه و ترابری: موسی کلاتری
۷- امور خارجه: حسین موسوی
۸- علوم و فرهنگ و هنر: دکتر حسن عارفی
۹- بازرگانی: رضا صدر و یا سیداسدالله لاجوردی
۱۰- صنایع: منعم نعمت زاده
۱۱- آموزش و پرورش: محمدعلی رجائی
۱۲- کشاورزی: محمد سلامتی
۱۳- کار: احمد توکلی
۱۴- وزیر مشاور در امور اجرائی: بهزاد نبوی
۱۵- سرپرست مسکن و شهرسازی وزیر مشاور: محمشهاب کتابادی
۱۶- نیرو: حسین علی پور
۱۷- ارشاد ملی: عباس دوزدوزانی
۱۸- کشور: محمدرضا مهدوی کنی
۱۹- دفاع: (هنوز تعیین نشده است)

لئونید برژنف: فقط ملت ایران میتواند معین کند که از کدام راه پیش خواهد رفت

لئونید برژنف، دبیرکل کمیته مرکزی حزب کمونیست و صدر هیئت رئیسه شورای عالی اتحاد شوروی، بمناسبت شصتین سالگرد تأسیس جمهوری شوروی کازاخستان بیانات مهمی ایراد کرد، که نکات برجسته آن در زیر به اطلاع خوانندگان گرامی میرسد.

بقیه در صفحه ۷

سازمان جوانان و دانشجویان دمکرات ایران به سازمان جوانان توده ایران پیوست

سازمان جوانان و دانشجویان دمکرات ایران، طی نامه ای به کمیته مرکزی حزب توده ایران، خواستار پیوستن به سازمان جوانان توده ایران شد. کمیته مرکزی حزب توده ایران، در پاسخ این نامه، خواست سازمان جوانان و دانشجویان دمکرات ایران را پذیرفت. در زیر متن نامه سازمان جوانان و دانشجویان دمکرات به کمیته مرکزی حزب توده ایران، و پاسخ کمیته مرکزی حزب توده ایران به این نامه، به اطلاع خوانندگان گرامی میرسد.

نامه سازمان جوانان و دانشجویان دمکرات ایران به کمیته مرکزی حزب توده ایران

رفقای گرامی! صمیمانه ترین درودهای ماچوانانی که در سیمایمین سازمانهای سلطه امپریالیسم و دیکتاتوری راه دشوار مبارزه بخاطر آزمانهای والای زحمتکش و رامبر اقتدار طبقه کارگر ایران و حزب آن، حزب توده ایران را بر گرفته ایم، بپذیرید.

سازمان جوانان و دانشجویان دمکرات ایران، که بر اثر نیازها و ضروریات مبارزه ضد امپریالیسم و ضد دیکتاتوری مردم و جوانان ایران، در فروردین ۱۳۵۴، به وجود آمد، در طی بیش از هشتاد و پنج روز وجود خود، همواره در سنگر پیوندگان بیکار و زحمتکش ناپذیر راه استقلال و آزادی ایران بوده است و در این دوران دشوار، در جریان نبرد مرگ و زندگی، آزمون خود را داده و کارنامه آن - چه قبل و چه بعد از انقلاب - گواه این برخورد متعهدانه و بی ایتار است.

سازمان ما در این مدت کوتاه توانست احترام و توجه جوانان مترقی و انقلابی ایران و جهان را به خود جلب کند، و شایستگی

خود را بشناهد یکی از گردانهای پیشرو جوانان انقلابی ایران بشود برساند و به چنان اعتبار عظیم بین المللی نائل آید که به عضویت در سازمانهای معتبر بین المللی جوانان و دانشجویان-فدراسیون جهانی جوانان دمکرات و اتحادیه بین المللی دانشجویان- پذیرفته شود.

رفقای ارجمند! در طول این سالها که مردم و جوانان ما درگیر دشواریترین نبردهای سرنوشت ساز خویش بودند، سازمان ما همواره کوشید تا به منن انقلابی جوانان ایران و شوشتریها، و باغدانیانها، این

رفقای عزیز! نامه گرم و پرشور شما را دریافت داشتیم و از خواست شما مبنی بر مبارزه در سنگر سازمان جوانان توده ایران، زیر رهبری مستقیم حزب توده ایران، مطلع شدیم.

سازمان جوانان و دانشجویان دمکرات ایران از آغاز مبارزه خود را با حرکت خروشان طبقه کارگر در سرنوشت رژیم دست-نشانده پهلوی و علیه امپریالیسم، بسرکردگی امپریالیسم آمریکا، هماهنگ ساخت و برچشم بیکاری را، که با شهادت وارطانها، شوشتریها، و باغدانیانها، این

نامه کمیته مرکزی حزب توده ایران به سازمان جوانان و دانشجویان دمکرات ایران

سازمان جوانان و دانشجویان دمکرات ایران، در پاسخ این نامه، خواست سازمان جوانان و دانشجویان دمکرات ایران را پذیرفت. در زیر متن نامه سازمان جوانان و دانشجویان دمکرات به کمیته مرکزی حزب توده ایران، و پاسخ کمیته مرکزی حزب توده ایران به این نامه، به اطلاع خوانندگان گرامی میرسد.

سازمان جوانان و دانشجویان دمکرات ایران، در پاسخ این نامه، خواست سازمان جوانان و دانشجویان دمکرات ایران را پذیرفت. در زیر متن نامه سازمان جوانان و دانشجویان دمکرات به کمیته مرکزی حزب توده ایران، و پاسخ کمیته مرکزی حزب توده ایران به این نامه، به اطلاع خوانندگان گرامی میرسد.

تازه ترین شاهکار آقای دکتر یزدی در کیهان!

روزنامه کیهان، ارگان لیبرالهای ایران، دروغهای شاخدار و مضحک امپریالیستهای انگلیسی را بخورد مردم ایران میدهد

صفحه ۸

خود را در صفوف جنبش انقلابی مردم ایران و در جنبش جهانی جوانان و دانشجویان احراز کرده و یکراز اعضای برجسته فدراسیون جهانی جوانان دمکرات و اتحادیه بین المللی دانشجویان است. پنجسال مبارزه دشوار و مستمر سازمان جوانان و دانشجویان دمکرات در راه آرمانهای خلق، با استفاده از اشکال پیدا و نهان مبارزه، و علیه فتنه ساز امپریالیسم

بقیه در صفحه ۸

برای مبارزه با امپریالیسم آمریکا، دشمن اصلی مردم ایران، متحد شویم!

خانه ما را به خودمان برگردانید

از اشغال غیرقانونی و تاسف انگیز دبیرخانه کمیته مرکزی حزب توده ایران و دفترنامه مردم در تهران و دیگر اماکن متوسل به حزب توده ایران در شهرستانها چندین هفته میگذرد. این کارخانه قانون اساسی جمهوری اسلامی و خلاف نظم انقلابی را عمداً تا آنگاه و غیر مسئول - که در بین آنها عناصر مشکوک و ضدانقلابی هم بودمانند مرتکب شده اند، ولی پس از آنکه عالی ترین مقامات پارلمانی، دولتی و قضائی کشور، لزوم تأمین فعالیت آزاد احزاب و گروههای سیاسی را در چارچوب قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران بکرات و مرات تأکید کرده اند، انتظار ما این بوده است که از گانهای مسئول مملکتی این بی عدالتی فاحش را از حزب توده ایران رفع کنند و اماکن اشغال شده حزب را با برگرداندند. ما بنام منافع انقلاب، بر مبنای حقیقتی که با دفاع جانانه از انقلاب و جمهوری اسلامی ایران کسب کرده ایم، با آنکه بر قانون اساسی، که خونهای دهها هزار شهید گلگون کفن راه استقلال و آزادی است، از زمامداران و مسئولان دولتی و قضائی جمهوری اسلامی ایران انتظار عاجل داریم که با اقدام مسئولانه، آگاهانه و خیراندیشانه خود، خانه ما را به خودمان بازگردانند.

در شرایطی که امپریالیسم جهانی خود را با ضدانقلاب برورده آن در کین آزادی و استقلال مبین ما تشنه اند و ما پیش از هر چیز به اتحاد نیروهای صدیق انقلابی نیازمندیم، سندهای مستومی و غیر عادلانه را از سر راه قدیمی ترین حزب انقلابی کشورمان، حزب توده ایران بردارید. این خواست انقلاب، قانون و عدالت است. این راه اتحاد و قدرت و پیروزی نهایی خلق است.

دشمنان انقلاب ایران، راجع به حزب توده ایران چه میگویند؟

بختیار: بعد از اینکه به قدرت برسیم، اولین خصم من حزب کمونیست توده است.

(داختر ایران، شماره ۲۹، خرداد ۵۹)

بختیار: دگر به قدرت برسیم، تمام احزاب را آزاد خواهم گذاشت مگر حزب توده، که آنرا نابود خواهم کرد.

(از مصاحبه با صدای آمریکا، اوایل مرداد ۵۹)

نزیه: اولین هدف انقلابیون باید نابودی آخوندهای طرفدار خینی و رهبران سرسپرده حزب توده باشد.

(داختر ایران، شماره ۲۳، ۱۵ مرداد ۵۹، صفحه ۵)

امیر انتظام: (بهنکام صدی پست مستحکمی دولت موقت):

حزب توده بموجب قوانین فعلی غیرقانونی است، و تا این قوانین لغو نشده اند، بقوت خود باقیند.

رادیو بغداد: ما از روی اجساد توده ای های کثیف گذر خواهیم کرد و رژیم خینی را سرنگون خواهیم ساخت.

(مضمون مکرر تفسیرهای رادیو بغداد)

آیا این گفته ها هشدار نیست برای بر خردستان تا آنگاه که بر خرد خصلت با حزب توده ایران دارند؟

اصل ملی کردن بازرگانی خارجی و فعالیت وزارت بازرگانی

آن را در ردیف روزنامه‌های "چپ‌گرایان خلیجی" قرار داده‌اند، اخلاق اسلامی و انقلابی حکم می‌کند که ایشان لااقل اعتراف کنند که اولین روزنامه‌ای که ضرورت اجرای فوری اصل ملی شدن بازرگانی خارجی را خاطر نشان ساخت و آنرا هم - چنان بایگیری دنبال می‌کند، "نامه مردم" بوده است، که دقیقاً متوجه است که اجرای این اصل، از نظر تثبیت پیروزیهای انقلاب ضد امپریالیستی و خلقی و خشنی ساختن و خشکانیدن ریشه‌های ضدانقلاب در داخل و تحریکات امپریالیسم از خارج، اهمیت فوق‌العاده و درجه اول دارد.

بلاخره جهت آخرو عمده‌های که در ارتباط با اظهارات وزیر بازرگانی و معاونین وی در مورد اعلام آمادگی برای اجرای قانون ملی کردن بازرگانی خارجی تذکر آن لازم است، این واقعیت است که، در این امر مهم و حیاتی، اقدام ضرور صورت نگرفته و آقای وزیر و معاونین ایشان، یکسال و نیم پس از پیروزی انقلاب، تنها وعده اجرای قانون را داده‌اند و نه خیراجرای آن را!

قانون ملی کردن بازرگانی خارجی کاریست که، در صورت اعتقاد مسئولین وزارت بازرگانی به آن، می‌توانست حداقل بلافاصله پس از تصویب قانون اساسی جمهوری اسلامی به اجرا گذاشته شود. به خاطر آوری که در همان هفته‌های اول پس از تصویب قانون اساسی، رئیس جمهوری به ضرورت اجرای سریع قانون ملی کردن بازرگانی خارجی اشاره کرد.

به دست گرفتن امر بازرگانی خارجی بوسیله دولت، آنهم با سوابقی که انحصار وزارت خارجی در کشور مادر دست دولت داشته، و تجربیاتی که در اختیار این وزارتخانه بوده، از نظر تدوین اساسنامه و آئین‌نامه، کاری نبوده که محتاج وقت طولانی باشد. به علاوه، از آنجا که منافع ارزی واردات از خارج را بطور عمده درآمد نفت تشکیل می‌دهد و این درآمد متعلق به دولت است، اجرای اصل ملی شدن بازرگانی خارجی در کشور ما از تسهیلات به مراتب بیشتری برخوردار بوده است. کافی بود دولت ارزی را که برای خرید کالاهای بازرگانی از خارج، به بازرگانان می‌دهد، خود مستقیماً به خرید این کالاهای اختصاص دهد.

وزارت بازرگانی تجربه استفاده از معاملات مستقیم در بازار خارجی و معامله از طریق شرکت‌های دولتی را در اختیار داشته، کمی توانسته و باید از این تجربیات استفاده می‌کرد.

با وجود چنین امکانات و سوابقی، چنانکه مسئولین وزارت بازرگانی در گزارشی خود اظهار می‌دارند، تا همین پریود جز واردات گندم، برنج، گوشت، قند، شکر و روغن نباتی، که در گذشته نیز در انحصار دولت بوده، خرید کالای دیگری را بدست نگرفته‌اند. تنها از امروز به بعد است که وزارت بازرگانی آمادگی خود را برای بدست گرفتن خرید و روودنه نوع کالا - فلزات، کاغذ و چوب و منسوجات و لیاف اعلام می‌دهد، که به گفته آقای وزیر، شامل ۳۵ درصد واردات می‌گردد. اما حتی واردات همین ۳۵ درصد طبق تصمیم وزارت بازرگانی عملاً به‌روال سابق و در دست خریداران خصوصی متمرکز خواهد بود. تنها فرقی که اجرای تصمیم با گذشته پیدامی‌کند، اینست که، خریداران قبل از مراجعه به بانک برای باز کردن اعتبار خرید کالا، باید از مراکز سه‌گانه فاکتورهای را که، مهر این مراکز را دارند، دریافت دارند، و در این مراکز ثبت نام کنند. از نظر وزارت بازرگانی، ایجاد این سه مرکز و اختصاص عمارت ۲۲ طبقه به مرکز تجارت، یعنی ملی کردن بازرگانی خارجی! متأسفانه اظهارات وزیر بازرگانی و معاونین ایشان در باره تهیه مقدمات اجرای قانون بازرگانی خارجی بیشتر جنبه تبلیغاتی دارد، تاجنبه انجام یک امر بسیار مهم و فوق‌العاده از نظر انقلاب.

مسئولین وزارت بازرگانی تذکر دهیم که، نه تنها توده‌های ایران، بلکه همه نیروهای انقلابی، از دانشجویان مسلمان پیرو خط امام و مراجع مذهبی عالم تا فقه، تا سازمانهای وسیع توده‌ای، مانند آنجس ها و شوراهای اسلامی و مطبوعات منتکس‌کننده نظریات و خواسته‌های آنان، اجرای قانون ملی کردن بازرگانی خارجی را خواستار بوده و هستند. ولی مقامات وزارت بازرگانی در مصاحبه خود، به خواست این سازمانها دایر به جانبداری از اجرای قانون ملی کردن بازرگانی خارجی به هیچوجه اشاره نکرده‌اند. نکند، بزعم آنها، مثلاً "حزب جمهوری اسلامی و دانشجویان مسلمان پیرو خط امام نیز، که از اصل ملی کردن بازرگانی خارجی جانبداری کرده و می‌کنند، جزء "چپ‌گرایان خلیجی" هستند! ظاهراً نام بردن از آنها به صلاح و صرفه‌قایان نیست که، با معرفی حزب توده ایران، به عنوان تنها حزب طرفدار اجرای قانون ملی کردن بازرگانی، بشیوه خاص خود می‌کوشند منافع سرمایه‌داران وابسته و مواضع آنان را در امر مهمی مانند بازرگانی خارجی دست نخورده باقی گذارند.

جهت دومی که در مصاحبه وزیر بازرگانی و معاونین او جلب نظرمی‌کند و دلیل روشنی بر عدم علاقه و لااقل حرکت لاکیشتی این وزارتخانه در اجرای قانون ملی شدن بازرگانی خارجی است، تا خیر غیر قابل توجیهی است که در انجام این کار، از جانب مسئولین وزارت بازرگانی به عمل آمده است. در مورد اخیر، قبل از همه باید متذکر شویم که، خواست ملی کردن بازرگانی خارجی، در همان بچیوه تدارک و تکوین و پیروزی انقلاب ضد امپریالیستی و خلقی مردم ایران مطرح گردید. این خواست تا به آنجا قانع بود و عمومیت داشت که، در طرح قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، که از نیمه اول سال ۱۳۵۸ به بحث مجلس خیرگان گذاشته شد، با وضوح تمام گنجانیده شد. بلاخره لایحه قانون اساسی در ۲۴ آبان ۱۳۵۸ از تصویب نهائی مجلس خیرگان گذشت و رفراندم عمل آن را تأیید کرد.

از آنچه گفتیم روشن می‌شود که، تدارک اجرای قانون ملی کردن بازرگانی خارجی باید از همان روز تشکیل دولت، موقت و آغاز به کار وزیر بازرگانی، یعنی از اسفند ۱۳۵۷ باید مورد توجه قرار می‌گرفت. اما آقای صدر وزیر بازرگانی، در مصاحبه خودشان رسماً اعلام می‌دارند که، تنها در اواخر تیرماه ۱۳۵۹، یعنی ۱۶ ماه پس از انقلاب، اساسنامه و آئین‌نامه‌های اجرائی این قانون را تهیه و به تصویب رسانیدند!

به دیگر سخن، وزارت بازرگانی برای تدوین اساسنامه و آئین‌نامه اجرائی قانون ملی کردن بازرگانی خارجی، از اول انقلاب تا به حال ۱۸ ماه، و از تاریخ تصویب نهائی قانون اساسی جمهوری اسلامی تا به حال، نزدیک به دو ماه وقت صرف کرده‌اند، و تازه چنانکه خود می‌گویند، مقدمات اجرای اصل ملی کردن بازرگانی خارجی را فراهم آورده‌اند و نه اجرای آن را!

بسیار قابل توجه است که وزارت بازرگانی، ماه‌ها پس از انقلاب، اصولاً موضوع تصویب اصل ملی کردن بازرگانی خارجی را مسکوت گذاشته بود. تنها پس از توجه محافل وسیع اجتماعی بر ضرورت این امر بود که، وزارت بازرگانی آمادگی خود را برای پذیرش این اصل در اردیبهشت ماه اعلام کرد، و چنانکه می‌بینیم، آمادگی آن وزارتخانه برای اجرای اصل ملی شدن، درست در لحظه‌ای که دولت باید جای خود را به کابینه جدید بدهد، اعلام می‌شود! اینطور به نظرمی‌آید که، اگر ضرورت تشکیل کابینه جدید در میان نبود، هنوز هم وزارت بازرگانی آمادگی خود را برای اجرای قانون اعلام نمی‌کرد.

ضمناً از آنجا که وزیر بازرگانی و معاونین وی نسبت به "نامه مردم" ابراز "لطف" فرموده،

در میان اطلاعاتی که وزراء قبل از پایان عمر دولتی که ابتدا به کابینه "کام به کام" معروف بود و سپس به زیر سایه شورای انقلاب خرید می‌دهند، گزارش وزارت بازرگانی از چند جهت جالب است. جهت اول اینست که، مسئولین این وزارتخانه با آنکه بوزش می‌طلبند از اینکه در زمینه یکی از عمده‌ترین مسائل مملکتی، یعنی اجرای اصل ملی کردن بازرگانی خارجی، کارشان "بک مقداری (!)" طول کشیده و تنها به انجام "کارهای اصولی و زیر سانی برای ملی کردن تجارت خارجی" موفق شده‌اند (بعداً خواهیم دید تا چه اندازه) معذالک در همان

ابتدای گزارش خود سازمان های به قول خود "چپی" را مورد حمله قرار داده‌اند. مثلاً در همان اسدای مصاحبه، وزیر بازرگانی و معاونین وی عنوان شده است که، یکی از عللی که آنها نتوانستند وظیفه قانونی خود را در اجرای اصل ملی کردن بازرگانی خارجی انجام دهند، "بمسئله "حمله چپ‌گرایان خلیجی" بوده است!

ضمناً جالب است که "نامه مردم"، ارگان مرکزی حزب توده ایران، به عنوان همین "حمله چپ - گرایان خلیجی" مورد استناد مقامات وزارت بازرگانی قرار گرفته است!

"نامه مردم"، ارگان مرکزی حزب توده ایران، موضع کاملاً مشخص و شناخته شده‌ای دارد. این روزنامه از مدافعین قاطع، راستین و رزمندگان انقلاب ضد امپریالیستی و خلقی مردم ایران به رهبری امام خمینی است. تا به حال هیچ ارگان رسمی و غیر رسمی جمهوری اسلامی از "نامه مردم" به عنوان "چپ‌گرایان خلیجی" نام نبردند. دلیل آن نیز آشکار است. آنان که به انقلاب صادق اندو تحقق هدفهای ضد امپریالیستی و مردمی انقلاب را در نظر دارند، به درستی متوجهند که، گرچه حزب توده ایران و ارگان آن از نظر آید تئولوژی مورد پسندشان نیست، ولی واقعیت اینست که "نامه مردم" را به "چپ‌گرایان خلیجی" یعنی در واقع چپ - نمایان، که مفهومی سیاسی خاصی دارد و در شرایط کنونی انقلاب عملاً بخشی از ضدانقلاب را شامل می‌شود، نمی‌توان منسوب دانست. انصاف باید داد که آنها "نامه مردم" را به همان نام و موضع خود شناخته و می‌شناسند، و ما امیدواریم کابین شناسائی کامی باشد در جهت تحقق ایجاد جبهه متحد همه نیروهای سیاسی مؤمن به انقلاب در مبارزه علیه امپریالیسم، به مسرکردگی امپریالیسم آمریکا ضد انقلاب دست پرورده‌اش.

تا اینجا معلوم است که "نامه مردم"، ارگان مرکزی حزب توده ایران، را نمی‌توان با هیچ برجسی به "چپ‌گرایان خلیجی" مفهوم دانست اگر مقامات وزارت بازرگانی به ایراد چنین اتهامی به "نامه مردم" مبادرت ورزند، قطعاً باید ریگی در کفش خود آنان باشد و قاعدتاً آنان هستند که نه در موضع انقلاب، بلکه در موضع همان "راست‌گرایان خلیجی راست" قرار دارند، که از فرط وحشت از اجرای قانون ملی شدن بازرگانی خارجی، چاره‌ای نمی‌بینند جز اینکه زیر پرچم حمله به نیروهای - اصل چپ، از اجرای اصل ملی کردن بازرگانی خارجی، که اصلی بسیار مهم و سرنوشت ساز برای انقلاب و جمهوری اسلامی است، جلوگیری به عمل آورند.

مقامات وزارت بازرگانی اعتراض "بازاریها" و یا دقیقتر گفته شود، پیروان بزرگ تجاری (کمبرادوری) را، که از اوایل قرن بر تجارت خارجی و داخلی، جنگ انداخته‌اند، به موضع حزب بوده ایران - در دفاع از اصل ملی کردن بازرگانی خارجی و ایجاد شبکه توزیع دولتی - وسیله تیرکه اقدام خود در خودداری از اجرای سریع اصل ۴۴ قانون اساسی جمهوری اسلامی ذکر کرده‌اند. ولی این استناد بجای آنکه آنان را تیرنه کند، به وضوح درستی می‌شود حزب توده ایران را نشان می‌دهد که، در یک مسئله اصولی و اساسی، نه در موضع "چپ - گرایان خلیجی" بلکه در موضع دفاع از قانون اساسی جمهوری اسلامی و اجرای خواست توده مردم در پایان دادن به اینهمه هرج و مرج ضدانقلابی در امر مهم بازرگانی خارجی و داخلی قرار دارد. توجه داشته باشیم که، خودداری وزارت بازرگانی از اجرای سریع اصل ملی کردن بازرگانی خارجی، دلیل عمده پیدایش احتکار، گرانی و تورم سرسام‌آوری است که معیشت عمومی را مختل ساخته و عدم رضایت جدی به وجود آورده است.

در پایان همین قسمت، به خاطر اینکه از ذکر مواضع درست نیروهای دیگر در مسئله بازرگانی خارجی خودداری نکرده باشیم، لازمست که به

اهرم بازرگانی خارجی ایران در دست بازرگانان وابسته به بازار امپریالیستی، در دست سرمایه‌داران حریص و آژند، بدل به یکی از حربه‌های جدی علیه انقلاب ایران شده است. از راه بازرگانی - خارجی اختلال جدی در امر تولیدات داخلی و جلوگیری از به راه اندازی صنایع نیمه عمل می‌آید. از راه بازرگانی خارجی کارشکنی وسیع در تدارک و توزیع به موقع کالا و احتکار کالا در داخل کشور صورت می‌گیرد. از راه بازرگانی خارجی تورم بازار امپریالیستی و گرانی سرسام‌آور و احتکار و لالبازی به بازار داخلی و مصرف کنندگان ایرانی تحمیل می‌شود. وزارت بازرگانی بجای آنکه با قاطعیت به مبارزه علیه این وضع برخیزد و قانون ملی شدن بازرگانی خارجی را با قاطعیت به اجرا بگذارد و مثلاً در نوبه اول انبارهای عظیم کالاهای احتکار شده را به روی مردم بکشد، یکسال و نیم پس از انقلاب، تنها مردم را به ایجاد سه مرکز خرید و توزیع کالا سرگرم نگاه می‌دارد، مراکزی که در نتیجه نهائی زیر تسلط بازرگانان و محتکران خواهد بود.

یکی از دلایلی که نشان می‌دهد وزارت بازرگانی به انجام خواست مردم در اجرای اصل ملی کردن بازرگانی خارجی اقدام به محدود ساختن و قطع تسلط سرمایه‌داران وابسته به امپریالیسم بر بازار ایران تمایل ندارد، حفظ اتاق بازرگانی به صورت سابق و حتی دادن اکثریت کرسیهای اتاق به نمایندگان بخش خصوصی است.

اتاق بازرگانی در دوران طاغوت از اهمیتهای عمده سلطه بازرگانی و مالی و سیاسی امپریالیسم بر ایران بود. وزارت بازرگانی نه تنها به انحلال این اتاق نپرداخته، بلکه آئین‌نامه‌های راه تصویب رسانیده، که ۲۳ کرسی از ۴۵ کرسی، یعنی اکثریت را به بازرگانان عمده بخش خصوصی می‌دهد. با چنین تناسبی، که بازرگانان کمبرادور در اتاق بازرگانی اکثریت خواهند داشت، وزیر بازرگانی مدعی اجرای قانون ملی شدن بازرگانی خارجی است! جالب است که خود مسئولین وزارت بازرگانی هم پنهان نمی‌کنند که، آنها در فعالیت خود جانب بخش خصوصی را گرفته‌اند، و به قول خود، قانونی که از تصویب گذرانده‌اند، "چیزی است بین بخش - خصوصی و دولتی"!

وزارتخانه‌های صنایع و معادن و کشاورزی و امور اقتصادی و دارائی هر یک به موقع خود لواجی را در ملی کردن سرمایه‌های وابسته صنعتی، بانکی، مالی و کشاورزی از تصویب گذرانده‌اند. طبق این لواج صد ها کارخانه و بانک و شرکت‌های خارجی در این زمینه‌ها ملی شده‌اند. معلوم نیست چرا وزارت - بازرگانی دست به چنین اقدامی نزده است؟

آیا سرمایه‌های عظیم تجار وابسته به سرمایه‌های امپریالیستی و محتکرانی که انبارهای با سرمایه‌های میلیارد تومانی در اختیار دارند، وجود خارجی ندارند، یا اینکه وزارت بازرگانی از پشت عینک مسئولین خود نمی‌خواهد آنها را ببیند؟

به هر حال، واقعیت اینست که، سرمایه‌های عمده کمبرادوری تجاری همچنان دست نخورده باقی مانده، و از مواضع این نوع سرمایه، که کمتر تج - ترین و آزمندترین نوع سرمایه است، ضربات جدی به مواضع انقلاب وارد می‌آید.

می‌توان در مورد خودداری وزارت بازرگانی و مسئولیت آن در قبال عدم اجرای اصل قانون ملی کردن بازرگانی خارجی، که مشکلات بسیار مهم برای انقلاب بوجود آورده، مطالب بیشتری گفت و نوشت. لیکن تصویری شود که خود مقامات وزارت بازرگانی، آنجا که به سؤال خبرنگاران در این باره که: چرا کلیه واردات را در دست گرفته و اصل ملی کردن بازرگانی خارجی را به مرحله اجرا نیاوردند، اینطور پاسخ می‌دهند که، متخصص در اختیار نداشته‌اند، و "فکر می‌کردیم اگر همه واردات را در دست بگیریم موفق نشویم، با بحران مواجه خواهیم شد" (!) علت اساسی عدم موفقیت در این کار مهم را بیان داشته‌اند.

آری، علت اساسی اینست که، مسئولین وزارت بازرگانی با تزلزل و عدم اعتماد به اجرای قانون ملی شدن بازرگانی خارجی می‌نگرند، و البته از چنین مسئولیتی، توقع آنکه مجری خواسته‌های انقلاب ضد امپریالیستی و خلقی مردم ایران باشند، توقعی اضافی است. وزارت بازرگانی و اصولاً دولت انقلاب به مجریانی نیازمند است که به اهداف انقلاب ضد امپریالیستی و خلقی و به اجرای اصول قانون اساسی اعتقاد راسخ و بدون خدشه داشته باشند.

اجرای فوری اصل قانون اساسی در مورد ملی کردن بازرگانی خارجی و ایجاد بخش دولتی در توزیع فرآورده‌های مورد مصرف همگانی، یگانه راه برای کنترل قیمت‌ها و جلوگیری از غارت سرمایه‌داران بزرگ، عدل‌الان و محترک است

تمام فرآورده‌های اقتصادی و نظامی اساساً مملکتی باید لغو شود

اخراج کارگران: سلاح کارفرما در مبارزه با انقلاب

چند نمونه گویا از عملکرد کارفرمایان:

کارفرمای شرکت چکش (شیراز) به بهانه پایین آمدن تولید، عده ای از کارگران را اخراج کرد. کارگران اخراجی حداقل یک سال سابقه کار داشتند و بیمه نیز بودند.

کارفرمای کوره آجرپزی حسینی (جاده قصاب خانه شیراز) کارگری را که ۱۶ سال سابقه کار داشت از مدت‌ها پیش اخراج کرده است. کارگر مذکور با ساعت کار روزانه، مبلغ چهارصد ریال دستمزد می‌گرفت. وی به علت اعتراض به شرایط ناساعد کار اخراج شده و مبلغ چهارده هزار تومان از کارفرما طلب دارد. کارفرما حاضر به پرداخت طلب این کارگر نیز نیست.

یکی از کارگران شرکت کارسانی لاند (شیراز) پس از اعتراض نسبت به عدم برخورداری کارگران این شرکت از مزایای قانونی، اخراج شد. در این شرکت کارفرما بجای لیست سی روز حقوق کارگران، لیست مربوط به ۵ روز کار آنان را بد بیمه تحویل می‌دهد!

در شرکت موبیل (شیراز) سازنده لوازم و وسایل بهداشتی کارگران بی‌هیچ بهانه‌ای اخراج می‌شوند. کارگری که پس از دو سال کار در این شرکت، اخیراً اخراج شده است، می‌گوید: "دو سال کار کردم و در تمام این مدت از دستمزد حق بیمه کسر می‌کردند، ولی فقط شش ماه آخر بیمه بوم! فقط سه ماه حق اولاد گرفتیم. بالاخره بی‌دلیل اخراج کردند و هیچ حق و حقوقی هم ندادند."

در معدن نمک تون (روستای تون، شیراز) نزدیک پل فسا) ۱۵ کارگر، که کار ساختمانی این معدن را برعهده داشتند، اخراج شدند. بیشتر این کارگران از یکسال پیش در این معدن کار می‌کردند. کارفرما به آنان قول داده بود آنان را بیمه کند. کارگران روزانه ششده ریال دستمزد می‌گرفتند.

کارفرمای شرکت ساختمانی موبیل (شیراز) کلیه کارگران این شرکت را اخراج کرده است. تعداد این کارگران سی نفر است و همگی بیمه‌اند.

۶ تن از کارگران آهن فروشی قربان اسلامی (شیراز)، به علت تلاش برای بیمه شدن از طرف کارفرما اخراج شدند. کارگران اخراجی هر یک حدود ۶ سال سابقه کار دارند و در این مدت از هرگونه مزایای قانونی محروم بودند. کارفرما در مواقعی که مأمور بیمه به کارگاه مراجعه می‌کرد، کارگران را بزور از محیط کار دور می‌کرد، تاجلو بیمه شدن آنان را بگریز می‌آورد. آنان از چندماه پیش درصدد برآمدند خود را بیمه کنند و بر اثر پیگیری در این خواست خود، با غضب کارفرما مواجه شدند!

در یکی از کارگاه‌های قندریزی بلوار سیما (جاده شیراز-بوشهر) نیز کارگری درست به همین دلیل اخراج شده است. وی نیز ۶ سال سابقه کار دارد و در کارگاه قندسازی محمود کار می‌کرده است. کارفرما هر بار با آمدن مأمور بیمه (که هر سه ماه به کارگاه مراجعه می‌کند) کارگران را مجبور می‌کند تا خود را از مأمور بیمه پنهان کنند. چندی قبل کارگری خود را به مأمور بیمه معرفی می‌کند و این ماجرا به جریمه شدن کارفرما منجر می‌شود. کارفرما در مقام تلافی، کارگر را اخراج می‌کند! کارفرما مدعی شده است که این کارگر برای او کار نمی‌کرده و در عین حال با ارباب مانع از گواهی دیگران می‌شود.

نمونه‌هایی که ذکر شد بمصادق "مشت نمونه خروار"، تنها بخش بسیار ناچیزی از ستمی است که بر کارگران ما و تنها در یک منطقه اعمال می‌شود. این ستم همچنان چون بار سنگینی بر کرده ستون فقرات انقلاب، یعنی کارگران سنگینی می‌کند. در نخستین برخورد با موارد هولناکی از قبیل آنچه که بر سر مردم، تصور "تندن بزرگ آریامهری" در برابر پدیدار می‌شود. در جامه‌های که رژیم خونخوار سابق به ورطه غم انگیز فقر و نابسامانی سوق داد، آنچه که ابد مطرح نبود، حقوق حقه زحمتکش بود. بهشت "آریامهری" دوزخی بود که همان در آتش زور و غارت امپریالیستها و غارتگران داخلی می‌سوختند و کارگران خائن امپریالیسم، ایادی شیطان بزرگ، ادعا می‌کردند: در ایران اختلاف طبقاتی وجود ندارد و هیچ حتی از هیچ فردی ضایع نمی‌شود!

بنای پوسیدگی که بر فریب و زور و چپاول استوار بود، البته نمی‌توانست دوامی داشته باشد و در طوفان تاریخی جنبش عظیم مردم ایران وبا پیروزی انقلاب یکسره فرو ریخت. مظهر ستم برنگون شد و انقلاب محو ستم را از زبان میلیونها ایرانی بشارت داد.

متأسفانه با سلطه سنی "گام به گام"، که مضمون حرکت دولت موقت پیشین را پس از انقلاب تشکیل می‌داد، کاری آنچنان که انقلاب می‌طلبید و مردم ما فریاد می‌کردند، صورت نگرفت. دست اندرکاران دولت موقت قوانین طاغوتی را، آنجا که توانستند، راهنمای عمل خویش قرار دادند و در هر حال از تحولات بنیادی بسود زحمتکش حتی-المقدور جلوگیری کردند. و چنین شد که قانون کار طاغوتی، که آئینه تمام نمای ستم طبقاتی بر طبقه کارگران ایران بود، علیرغم همه اعتراض‌ها و هرچند که انقلاب از آن کوخ نشینان بود، بقوت خود باقی ماند.

کارفرمایان بتدریج و یکبار دیگر سراز آستان و دست از آستین بدر آوردند. آنان که خود به هزاران بهانه و تمهید نهادهای تولیدی را به ورشکستگی سوق داده بودند، وضع نابسامان موجود را بهانه کردند و با خرابکاری در تولید و بمنظور تشدید نارضایتی‌ها، از جمله دست به اخراج گسترده کارگران زدند. بیکاری مزمن شد،

ارتش بیکاران از مرز میلیون نیز گذشت. آخرمگر نه این که قانون کار بقوت خود باقی بود؟ و چه باک اگر از همین قانون و بدلائل کاملاً قانونی (!) اخراج کارگران همچون شیخی برنده در جنگال حریص کارفرمایان روا بود و در خدمت منافع آنان سلاحی برا و کار؟ اما با گذشت زمان، انقلاب آرام نگرفت و در پهنه اجتماع دست به تعرض زد. مبارزه علیه شیطان بزرگ - امپریالیسم امریکا، این ام الفساد، قرن شدت یافت و انقلاب با رهبری قاطع امام خمینی بر وابستگان ریز و درشت امپریالیسم، یعنی سرمایه‌داران بزرگ و زمین‌داران کلان هجوم برد.

در این حرکت دوران ساز، توده‌های زحمتکش هوای تازه‌ای را استنشام کردند و گام به گامی‌ها پای در گل بکناری خیزیدند. با کنار رفتن بسیاری از موانع، در بسیاری از شئون اجتماع گام‌های مثبتی بسود توده‌های محروم و مستضعف برداشته شد، و از جمله، تا آنجا که به طبقه کارگر مربوط می‌شد، دستمزدها اندکی افزایش یافت و دست بسیاری از کارفرمایان از دایره تولید کوتاه شد.

امپریالیسم امریکا به تعرضی دیگر روی آورد و علاوه بر تجاوز و تهدید نظامی، طرح محاصره اقتصادی خود را برای خفه کردن انقلاب ما به اجرا گذاشت. امروز کمتر کسی می‌تواند منکر این واقعیت باشد که طبقه کارگر قهرمان و انقلابی ایران، با تمام وجود و بگونه‌ای موثر و چشم‌گیر، با تحمل اشد شداخت و سنگین‌ترین محرومیت‌ها، در مقام خنثی کردن این توطئه، از همه امکانات خویش سوچست و بکار برداخت.

این همه فداکاری در شرایطی صورت گرفت که متأسفانه بدلائلی چند، و از جمله ناپیگیری‌ها و ندانم‌کاری‌ها از سوی و رخنه عناصر سازشکار و غیرانقلابی و حتی ضدانقلابی از سوی دیگر، مانع می‌شدند تا حقوق طبیعی زحمتکش در ضوابط قانونی تثبیت شود. درست به همین دلایل، حتی ماده ۳۳ قانون کار سابق، که شاه بیت رجزخوانی کارفرمایان بود، همچنان حفظ شد و متأسفانه حتی وزیرکار و امور اجتماعی نیز در مقام تأیید آن برآمد.

هرجا کارفرما در خود سوری‌ها و اجحاف‌های بیش از اندازه خود رودر روی کارگران قرار می‌گرفت، با همین شمشیر فرق آنان فرود می‌آورد: اخراج! کارگران حتی موافق همان قانون کار، که حافظ منافع کارفرمایان رژیم آریامهری بود، مزایایی داشتند و در بیشتر موارد البته روی کاغذ. اما هر صدایی که این مزایا را سراغ می‌گرفت، پژواک اخراج را از پس خود داشت. و سردراز این رشته، درازتر شد و درازتر شد.

این کارنامه بخشی از آهنگی بود که ارکستر هماهنگ مسئولین در دیگر امور اقتصادی، اجتماعی و سیاسی کشور می‌سرود. و این تصنیف آنچنان ناموزون و بدآهنگ بود که، رهبران انقلاب ناچار سکوت پرمنای خود را شکست و فریادهای پردرد خود را سرداد: مقام‌های مسئول انقلابی نبودند

و درد مردم هر لحظه که می‌گذشت انبوه‌تر می‌شد... زحمتکش محروم کمترین سهم خود را می‌خواستند و می‌خواهند. آنان ناگزیرند برای نوسازی اقتصاد کشور هر چه کوتاه‌تر باشند و این وظیفه را با جان و دل به انجام می‌رسانند. لازمه این حرکت زنده ماندن و زندگی کردن و بحساب آمدن است. آنان چاره‌ای جز دفع گرسنگی، طرد مرض و شکوفا کردن محیط خانواده و کار خود ندارند و این همه جز با تعیین ضوابط حداقلی بسود کارگران انجام شدنی نیست.

تاریخ همه انقلاب‌ها از پیش گواهی می‌دهد که در درجه اول، برای حفظ و تحکیم خود انقلاب، عنایت به رنجبران در حکم الغیاست. اگر تالوده را محکم نریزیم، از استواری بنای آینده خبری نیست.

بدیهی است انقلاب ما که یک جهش عمیق خلقی است، نمی‌تواند از زیر این بار شانه‌خالی کند و در عین حال حرکت خود را ادامه دهد و راه بجلو بگشاید.

اکنون نهادهای قانونی انقلاب کمابیش استقرار یافته‌اند. آنچه تاکنون گذشته، تابلو هشدار دهنده و پندآموزیست. آزموده را آزمودن خطاست. نگذاریم لحظه‌ها فوت شوند، بی‌آنکه مراد حاصل آید. دولت انقلابی که از منت میلیونها انقلابی در سراسر کشور توان می‌گیرد، می‌تواند و باید برخیزد سری کارفرمایان فائق آید، طومار سنگ نوشته‌های عهد عتیق را درهم نوردد، نظم و قانونی نو خلقی را جایگزین پوسیدگی‌های پیشین کند، و در این راه دست همه به همراه اوست.

دولت انقلاب تنها نیست. زحمتکش در هر گام مثبتی که مسئولین جمهوری نویی ما بردارند، آنان را با پیگیری و بطور جدی حمایت خواهند کرد. مجامع صنفی زحمتکش و سازمانهای انقلابی آنان نیز آنچه دارند در طبق اخلاص خواهند گذاشت، و چنانکه تاکنون نکرده‌اند، از هیچ کوششی دریغ نخواهند کرد.

طبقه کارگر ایران از نظام انقلابی توقع بجایی دارد: قوانین و عملکرد انقلابی! قانون کار نیز در این راستا باید از پیرایه‌های طاغوتی پاک شود و بر مبنای حفظ و گسترش حقوق و مزایای راستین، که ارضای نیازهای واقعی کارگران را بر ذمه دارند، شکل گیرد.

تردید نباید کرد که درنگ بسود انقلاب نبود، بسود انقلاب نیست و نخواهد بود. در این راه - تکرار کنیم - از سازمان‌های صنفی زحمتکش و در راس همه از اتحادیه‌ها و سندیکاهای کارگری می‌توان و باید کمک گرفت. فراموش نکنیم که قوانین موضوعه، که حقوق اقشار مختلف مردم ما را در خود جای می‌دهند، باید شاخص عظمت بعد عمیقاً ضد امپریالیستی و خلقی انقلاب ما باشند. لاغیر.

اخبار کارگری

بکار انداختن فیلتر تصفیه کارخانه سیمان کرمان امری ضروری است

کارخانه سیمان کرمان در ۱۲ کیلومتری این شهر واقع است. ظرفیت تولیدی این کارخانه ۳۶۰۰ تن سیمان در روز است، که از ۳ واحد تولیدی ۳۰۰ و ۱۰۰۰ و ۲۲۰۰ تنی بدست می‌آید. هم اکنون واحد اول این کارخانه خراب است و تنها دو واحد به ظرفیت ۳۳۰۰ تن کاری‌کنند. آنچه که قابل ذکر است، وجود گرد آهک ناشی از کار این کارخانه است. به گفته اهالی روستاهای اطراف، این گرد باعث بیماری اهالی دهات مجاور و همچنین آسیب رساندن به محصولات آنها و مخصوصاً محصول پسته می‌شود، زیرا اغلب اوقات الکتروفیلترهای این کارخانه خراب است و یا کار نمی‌کند، کما اینکه هم اکنون الکتروفیلتر واحد ۱۰۰۰ تنی از کار افتاده است. باید توجه داشت که گرد سیمان حاصل از کار این کارخانه، تنها مردم روستاهای مجاور را دچار بیماری نمی‌کند، بلکه مردم شهر کرمان نیز - چنانچه فیلترهای تصفیه کار نکنند - از ابتلا به بیماری‌ها مصون نخواهند بود. از آنجا که قیمت سیمان نسبت به گذشته افزایش پیدا کرده است، و درآمد بیشتری را نصیب سهامداران این کارخانه می‌کند، لازم است که در مورد بکار انداختن فیلترهای تصفیه این کارخانه اقدام شود، تا از بروز بیماری‌های ناشی از گرد سیمان جلوگیری بعمل آید.

کارگران صنایع شیمیایی پرسپولیس شیراز خواهان رسیدگی به مشکلاتشان هستند

در اواسط مرداد شورای صنایع شیمیایی پرسپولیس قطعنامه‌ای صادر کرد. در این قطعنامه بعد از اشاره به انقلاب ضد امپریالیستی و خلقی ایران و تشکیل شورای کارخانه و سنگ‌اندازی عوامل دست‌نشانده کارفرمایان مسئله عنوان شده است که بانک ملی شعبه محلی تهران، مقدار هفت میلیون تومان به‌طور غیر قانونی از حساب شرکت برداشته و به آلمان فرستاده است و هنگامی که مسئولین شرکت با اعتراضی کارگران و کارمندان مواجه شدند، کار خود را این‌طور توجیه کرده که، این عمل به‌مثابه حلقه‌های آبروی ایران در جهان می‌شود! کارگران در مقابل گفتند: در شرایطی که غرب حدود ۱۶ میلیارد دلار از ذخائر ارزی ایران را بلوکه کرده است، چرا بانک به این عمل ضد ملی دست زده است؟ در همین حین دولت ایران نیز مبلغ ۴۰ میلیون تومان به سپاهدار قبلی و پرداخت کرده است. دو تن از سهامداران قبلی این کارخانه اکنون عضو هیئت موسسین بانک اسلامی و نماینده وزارت پتروشیمی هستند. کارگران ضمن اشاره به ادامه مبارزه مشکل خود و اقدام به اشغال عناصر لایب، خواهان رسیدگی به سایل و مشکلات زیر هستند: ۱- پاکسازی و مجازات افراد ناصالح، ۲- ملی شدن واقعی کارخانه، ۳- لغو ماده ۳۳ قانون کار، ۴- لغو کلیه قراردادهای امپریالیستی و قطع وابستگی به کشورهای امپریالیستی.

حادثه اسفبار انفار باروت در گچساران، ضرورت ایجاد شرایط ایمنی در محیط کار را بارزتر می‌کند

در ۲۷ مرداد، حادثه اسفبار انفجار انبار باروت در گچساران روی داد، که به دنبال آن بیش از صد نفر از مدنفرا زخم میهنان ما - ساکنین ده بزرگ - به شکل فیزیکی کشته شدند. این حادثه بدون شک تاءثیر عمیق و تاءسف آوری بر انسان می‌گذارد. ولی حادثه غم‌انگیز انفجار انبار باروت در گچساران اولیین حادثه ای نیست که در اثر بیاحتیاطی و بی‌اقتدان و سائیل ایمنی و حفاظت محیط کار روی داده‌ها شد. متأسفانه تا وضع چنین است، آخرین ن هم نخواهد بود. با کمال تاءسف با پدا ذعان کرد که در کشور ما، به علت عدم وجود سائیل ایمنی کار و ربا عدم درک به کار بردن اسلوب صحیح انبارداری و جلوگیری از بروز خطر احتمالی، هر ساله جان دهها انسان زحمتکش، به عنوان و اشکال مختلف، در معرض خطر جدی قرار می‌گرفت و می‌گیرد. نگاه کوتاه به آمار سوانح ناشی از کار در زمان شاه سابق نشان می‌دهد که، هر ساله گروه کثیری از کارگران در اثر فقدان شرایط ایمنی کار، اعضای بدن و با حتی جان خود را از دست می‌دادند.

بدین ترتیب صدها کارگر سا ختمانی در زیر آوار سا ختمانیهای نیمه تمام می‌ماندند، صدها کارگر زحمتکش در معادن مختلف ایران، در حال شکافتن دل کسوه برای استخراج گرانبها تریبس منابع طبیعی، در سوانح متعددی از کار جان خود را از دست می‌دادند، در کارخانه‌ها نیز سوانح کارفرما و ان بود و غالباً به علیل شدن ربا مرگ کارگران منجر می‌گردید. اعمال چنین سیاستی از چنان رژیمی، با لطیع نمی‌توانست تعبیر آور باشد. ولی پس از انقلاب، کارگر روزمخت کشان به حق انتظار دارند که در زمینه ایمنی کار ر نیز تصمیمات قوری و جدی اتخاذ گردد. باید با اقدامات جدی و تصفیب دلالتل بروز چنین حوادثی، از بروز احتمالی حوادث مشابه، با پیشگیری لازم، جلوگیری به عمل آورد. کارگها و انبارها باید مکان مطمئن و ایمن برای زحمتکش و ساکنین اطراف آن باشند. کارگران و زحمتکش کشور ما باید با احساس امنیت کامل به کار رجاتی تولید ادا مه دهند، زیرا جان هوانسانی که در اثر حوادث ناشی از کار از دست می‌رود، ثروتی است بیکران، که تا وان آن قابل پرداخت نیست. وقت آنست که با برخورد انقلابی، زحمتکش از در مرکز شغل تصمیمات و قوانین خود قرا ردهیم. باید در قانون جدید کار مواد مشخص و روشنی برای تأمین ایمنی کار رکنجا نود در عمل پیا ه کرد.

تشکل کارگران در انجمن‌های صنفی (سندیکالی) ضرورت انقلاب ایران است

روستای قنات ملک در انتظار هیئت نقری



روستای قنات ملک - در این روستا هنوز استعمار بر اساس مناصف حاکم است

گذری به روستا

روستای قنات ملک، در منطقه بوانات، در ۲۰ کیلومتری شیراز قرار دارد. جمعیت این روستا حدود ۶۰ خانوار است. منازل روستاییان خشتی است و در برابر حوادث جوی مقاوم نیست. در این روستا هنوز با بهای فشو - دالیم استوار و زمینها در اختیار مالکان بزرگ است. فعالیت کشاورزی در این روستا دوتنوع است:

- ۱- گندم کاری و کشت جو و عدس و ...
- ۲- باغداری (سیب و انگور).

کل زمینهای این روستا در اختیار سه برادر است.

از سمت خانوار ساکن این روستا، فقط حدود ۱۵ خانوار به صورت سهم‌بری بر روی زمینهای مالکی کار می‌کنند (۳۵ خانوار) خوش‌شانس هستند و بقیه اهالی در شهرها به کارگری مشغولند.

تا قبل از پیروزی انقلاب، سلطه مالکان بزرگ بطور کامل بر روستا حاکم بود و رعیت‌ها با یدش و روزبروری زمینهای مالکان بزرگ کار می‌کردند و محصول را به مالک می‌دادند. مالکان بزرگ با استفاده از زور و تهدید و تحمیل دهقانان را همواره زیر فشار قرار می‌دادند و اجازه هیچ‌گونه اعتراض و شکایتی را به آنها نمی‌دادند.

بعد از پیروزی انقلاب، دهقانان به تدریج با فعالیت‌ها و مبارزات پیگیر خود توانستند تقسیم محصول را به نصف به نفع برسانند، ولی هنوز زمین‌ها را در اختیار مالک می‌کنند:

«ما منتظر اقدامات هیئت نقری هستیم. ما پیرو قانون هستیم و هر چه قانون بگوید به آن گردن می‌نیم.»

بعد از مسئله زمین، مهمترین مسئله

پاسخ مسئولین به خواست دهقانان

بدینال درج اخبار دهقانی مربوط به کمبودها و نقایص روستاهای استان زنجان در زمینه آب و مدرسه، اخیرا نامه شماره ۱۱۱۲ مورخ ۱۳۵۹/۵/۱۳۵۹، توسط آقای هادی عطاری، رئیس اداره ارشاد ملی استان زنجان، به همراه سه برگ فتوکپی نامه‌های از سازمان آب و برق منطقه‌ای شمال و دونا به اداره کل آموزش و پرورش استان زنجان، به دفتر نامه "مردم" ارسال شده است، که عینا نقل می‌گردد:

عطف به شماره ۹۵۰ - ۵۹/۴/۵ به استحضار میرساند که، در تشکیلات وزارت آموزش و پرورش، در مناطقی که از نظر تقسیمات کشوری به عنوان مرکز بخش شناخته می‌شوند، میتوان تشکیلات اداری مستقل ایجاد نمود، کما اینکه در سلطانیه، که بعنوان مرکز بخش حومه شهرستان ابهر می‌باشد، تشکیلات مستقل آموزش و پرورش وجود دارد، ولی چون خرمدره از نظر تقسیمات کشوری مرکز بخش نبوده و یکی از روستاهای تابعه شهرستان ابهر می‌باشد، علیهذا تا زمانی که از طرف وزارت کشور در این مورد اقدامی به عمل نیاید، ایجاد تشکیلات مستقل اداره آموزش و پرورش در محل امکان ندارد.

بازگشت به شماره ۹۵۲ - ۵۹/۴/۵، در خصوص خواست مردم روستای یوسف‌آباد که ارتباط با این اداره کل دارد، قبلا اقدام و احداث یک باب مدرسه ۵ کلاسه در ردیف ۷۲ طرح مدارس ابتدائی اعتبارات خاص ناحیه‌ای سال ۵۹ پیش بینی و کمیته مشترک برنامه‌ریزی استان پیشنهاد گردیده، که پس از تصویب و مبادله موافقتنامه، که در دست اقدام است، اجرا خواهد شد.

عطف به نامه شماره ۹۵۴ مورخ ۵۹/۴/۵ و پیوست آن در مورد تامین آب مزروعی مندرج در بند ۱ روزنامه "مردم"، به اطلاع میرساند امور آب زنجان در سال جاری با تحویل و تامین کلیه نیازمندیهای مالی و اداری آن از طرف سازمان آب و برق شمال در حال احیاء و بازسازی خود بوده و ضمن تکمیل پرسنل، کلیه تقاضاهای صدور پروانه حفر و بهره‌برداری چاه در منطقه دیزج را رسیدگی و اقدام می‌نماید، و در صورت وصول تقاضاهای تامین آب مزروعی بی‌گیری خواهد نمود.

نامه "مردم" - ضمن تشکر از پاسخ مسئولین، امید است که با حل مسائل دیگر روستائیان این ناحیه، شرایط مساعد کار و زندگی برای آنان فراهم آید، تا مجددا در امر حیاتی تولید کوشا باشند.

پاسخ مسئولین به خواست دهقانان

اداره کل راه و ترابری استان مازندران، در پاسخ به مطلب مندرج در نامه "مردم" شماره ۲۰۸، مورخ ۵۹/۲/۲۳، تحت عنوان: "مسئله آب در روستاهای استان مازندران" قاعد جاده ارتباطی هستند، نامه‌های به اداره کل ارشاد ملی استان مازندران ارسال داشته‌است، که ما عینا آنرا نقل می‌کنیم:

در مورد شکوای روستای نج کسلا، قبلا جواب تهیه شده، ولی از روستاهای جالی و کلیج خیل از توابع قائم‌شهر با زدید بعمل آمده و جاده ارتباطی موجود می‌باشد، ولی در مورد روستاهای نسل و کلاصفا و اعلم مشخص نشده که از توابع چه شهرستانی است و در نقشه‌های جغرافیایی هم شناسایی نشده، لذا خواهشمند است روستاهای ناشناخته (نسل و کلاصفا و اعلم) اطلاع دهند، تا اقدامات بعدی بعمل آید.

نامه "مردم" - توجه مسئولین به مشکلات روستائیان باعث خرسندی است. بسیاری از اطلاع‌آوران مازندران که روستای "نسل" بین جاده "آندوار" و "گاوزن محله" در فیروز کوه قرار دارد. نشانی دور روستای دیگر (کلاصفا و اعلم) تحقیق خواهد شد و در آینده به اطلاع مسئولین خواهد رسید.

دهقانان یزد، دنو، زمین و اقتصاد

شکوفای می خواهند

همزمان با اصلاحات نیم بند رژیم بوسیده "پهلوی" در سال ۱۳۲۲، تعدادی از کشاورزان یزد بوسیله عمال رژیم پهلوی به منطقه دشت آزادگان (دشت میشان سابق) کوچانیده شدند و محلی به نام "یزدنو" بوجود آوردند. آنها یک شرکت به اصطلاح تعاونی روستائی تشکیل دادند و زمینهای حاصلخیز منطقه را از کشاورزان بومی گرفتند و به شرکت مزبور واگذار کردند.

این اعمال ضد دهقانی با مخالفتها و اعتراضات دهقانان و زحمتکشان بومی مواجه شد. ولی متأسفانه اعتراض و مخالفت کشاورزان بجائی نرسید و ساواک جنبش اعتراضی در این ناحیه را بشدت سرکوب کرد.

اداره شرکت به اصطلاح تعاونی روستائی به یکی از سرسیردگان رژیم گذشته، به نام مهندس بقائی سپرده شد. بدین ترتیب اکثر دهقانان یزد بعنوان کارگران کشاورزی در تولید، به کارگمارده شدند.

مالکیت زمین در اختیار قریب ۱۰۰۰ تعدادی از دستیارانش بود (لازم به تذکر است که مقدار وسیعی از این زمینها با عمال زورسواک، به یک فتودال سپرده شد و زمینهای مرغوب بقیه اکثرا در دست شیوخ و مالکان بومی قرار داشت).

فعلی دهقانان، وسائل رفاهی و ماشین آلات کشاورزی است. بطور مثال در این روستا تراکتور وجود ندارد و راه‌های دیگر کار می‌کنند (هرکتا ۱۲۰ تومان) و همچنین کمباین ایلدر منطقه وجود ندارد.

قنات ملک از داشتن تقریبا هرگونه امکانات رفاهی محروم است. فقر و محرومیت چهره گریه خود را در هر گوشه روستا نشان می‌دهد. زمستان این منطقه آب و هوای سردی دارد و آب‌انبارهای شدید می‌بارد، از این رو روستائیان بر روی دیوارهای کجلی خانه‌های خود علف تمسبه می‌کنند، تا باران گلها را نشوید و این

مردم روستا بستان خطر آتش سوزی در بر دارند از بهداشت و دکتر در این روستا خبری نیست، آب لوله‌کشی ندارد، شرکت تعاونی ندارد، برق ندارد، جها دسا زندگی بخش سوریان در اینجا اخیرا یک باب حمام ساخته‌است. این روستا یک باب دبستان دارد که تا کلاس پنجم ابتدائی در آن تدریس می‌شود.

با اجرای قانون واگذاری زمین به نفع دهقانان تهیدست، دهقانان را از انتظار اجرای عدالت در آورید، اجرای قانون، با توجه به آئین نامه اجرایی آن، نیاز زمزم دهقانان قنات ملک است.

بدین ترتیب کشاورزان و زحمتکشان عرب (بومی) و یزدی و تقریبا "یکسان استعمار میشدند. بعد از انقلاب، مالکین غیربومی، که عمال رژیم بودند، از منطقه خارج شدند و مهندس بقائی، بعنوان یکی از مهرهای رژیم، توسط دادگاه انقلاب تیرباران شد. کشاورزان بومی نیز زمینهای خود را از فتودال ده پس گرفتند. پس از این، شیوخ و مالکان بومی تحریکات خود را شروع کردند، تا کشاورزان یزدی را از زمینی که ۱۶ سال روی آن کار می‌کردند، بیرون کنند. ولی در اینجا با مقاومت سایر دهقانان عرب و یزدی مواجه شدند.

کشاورزان چندین شکایت به شورای انقلاب، ریاست جمهوری، وزارت کشاورزی تسلیم کرده‌اند ولی متأسفانه تاکنون بوضع این زحمتکشان رسیدگی نشده‌است و هم‌اکنون دهقانان در بلاتکلیفی به سر می‌برند. بدین ترتیب مقدار زیادی از این زمینها، که بسیار حاصلخیز هم هست، زیر کشت نرفت.

پاسخگوی خواست این دهقانان، اجرای قانون اصلاحات ارضی به نفع دهقانان تهیدست و زحمتکش است. باید با اجرای سریع قانون، با توجه به آئین نامه اجرایی آن، مسئله مالکیت در این روستا را به نفع تهیدستان حل و به شکوفائی اقتصادی و طرد روابط ظالمانه بزرگ مالکی کمک کرد.

مشکل آب در روستاهای یزد حل کنید

در تاریخ ۵۹/۴/۱۸، عده گشیزی از دهقانان شوروک، یکی از دهات یزد، برای پنجمین بار طی سه ماه گذشته، در محل استانداری جمع و خواستار رسیدگی به وضع و مشکلاتشان شدند.

دهقانان شوروک چندی قبل، پس از ۲۴ ساعت تحصن در محل استانداری، قولی مبنی بر رسیدگی به مشکلات خودشان گرفتند و آنجا ترک کردند. ولی از آنجاکه به خواستهایشان توجهی نشده بود، مکررا دست به تجمع زده و باناراحتی و عصیانیت خواستار حل مشکلات خود بودند.

مشکل و مسئله اهالی از این قرار است که: روستائیان رکن آباد، ده پائین، به علت کمبود آب، جاهی در جوار قنات شوروک زده‌اند، و اهالی شوروک معتقدند با زدن چاه، آب قناتشان به نصف کاهش یافته، لذا آنها خواستار رسیدگی به این موضوع هستند.

اهالی شوروک اظهار می‌دارند که، چاه مذکور بدون مجوز قانونی بوده و سیاه پاسداران و همه مقامات دادگاه انقلاب هم این را تأیید کرده‌اند، ولی کسی از این اقدام جلوگیری نمی‌کند. اگر وضع بدین منوال پیش برود، امکان خونریزی بین اهالی شوروک و رکن آباد زیاد است. آنها می‌گویند:

"ما برای چندمین بار به مقامات مسئول مراجعه کرده و خواستار رسیدگی شده‌ایم، و این بار اگر به نتیجه نرسیم، خودمان را با اقدام خواهیم کرد نسبت به بستن چاه عمل لازم را خواهیم کرد."

استاندار یزد نیز در جمع اهالی حاضر شد و نسبت به حل مشکل آنها قولی داد، ولی دهقانان نپذیرفتند و معتقدند که این مقامات مرتبا قول می‌دهند، ولی کسی اجرایی نمی‌کند، لذا آنها تا نتیجه گیری قطعی تصمیم به تجمع در محل استانداری گرفتند.

از طرفی اهالی رکن آباد معتقدند که دولت باید چاه آبی برای آنها احداث کند و نسبت به کم آبی این دهامقاماتی انجام دهد.

باید با ایجاد شبکه‌های آبرسانی، زمینها اختلاف و تفرقه بین دهقانان را از بین برد. حل مسئله آب در روستاهای ایران بسیار عاجل و پراهمیت است. باید با اقدامات حساب شده و برنامه دقیق این مشکل راحل کرد و ریشه اختلافات ناشی از آن را از بین برد. به علاوه بسیاری از روستاها به علت کم آبی تولید کافی ندارند و همچنین از نظر بهداشت محیط زیست در مضیقه هستند. باید از نیروی عظیم بیکاران شهری روستا برای حل این معضل استفاده و با همکاری رکن تکنیک و فن پیشرفته، روستاهای خشک کشور را آباد کرد.

دولت باید محصولات کشاورزی ما را خریداری کند.

چندتن از نمایندگان کشاورزان بخش زرگان (فارس) با مراجعه به مقامات اجرایی استان خواستار شدند که دولت محصولات کلم رومی آنان را به قیمت عادلانه خریداری کند، توضیح اینکه، قبلا محصولات کلم رومی در این موضع ارسال برای دوی و کشورهای عربی حوزه خلیج فارس ما در میشد. بعد از انقلاب، بدستور دولت، از مدورا بیسن محصولات جلوگیری شد، و در نتیجه دهقانان با خطر نا بودی محصولات خود روبرو شدند، زیرا در منطقه، با زار قاربه جذب تمامی محصولات نیست، بخصوص در فصل تابستان در این منطقه کلم رومی خریدار ندارد. دهقانان میخواهند که دولت خود را بتکا عرضه محصول را بدست گیرد. یکی از دهقانان در این باره به خبرنگار ما می‌گفت:

"دولت با بدخودش محصولات را بخرد و خودش هم ما در کند، ما نمی‌خواهیم از خود کاری کنیم و محصولات را ما در کنیم." آنچه دهقانان می‌گویند، منطقی است، با توجه به دستورات مقامات مسئول، اما مسال عده‌ای از دهقانان با مشکل نامبرده روبرو شده‌اند. دولت باید برای حفاظت و جلوگیری از ورشکستگی دهقانان اقدام کند. در صورت نابودی محصولات، قطعا خسارات فراوانی به دهقانان وارد می‌آید و این امری است که باید از آن اجتناب کرد.

چرا پاسداران ارستان محصول دهقانان را ضبط کرده‌اند؟

پاسداران ارستان محصول دهقانان روستای حسن آبا در، که با خون دل کاشت و برداشت شده بود، ضبط کردند.

دهقانان خوش نشین روستای حسن آبا در ارستان، از توابع استان فارس، بعد از انقلاب مقدار ۱۳۰ هکتار از زمینهای مالک بزرگ را به زیر کشت بردند و برای رشد تولیدات کشاورزی تمام نیرو و انرژی خود را در زمینها سرمایه‌گذاری کردند، اخیرا چندتن از پاسداران ارستان محصولات ۳ نفر از دهقانان را، که جمعا ۷/۵ هکتار از زمینهای مالک بزرگ را به زیر کشت برده بودند، ضبط کرده‌اند. دهقانان برای احقاق حقوق خود به دادگاه انقلاب شیراز شکایت کرده‌اند، سپاه پاسداران انقلاب نهادی است انقلابی، که باید تمام قدرت خود را در خدمت زحمتکشان روستایی کشور قرار دهد، عملکرد این گروه پاسداران متأسفانه برخلاف راستای انقلاب و عملا در جهت تشبیت مواضع ضد انقلاب است، زیرا در شرایط حساس کنونی، امیرالایم آمریکا، به کمک ایادی داخلی خود، دست به انواع توطئه‌ها و نازخی‌تراشی می‌زند، این عمل پاسداران کمک به ایجاد نافرمانی در بین دهقانان تهیدست است، پاسداران ارستان با بدحمت از تسوده دهقانان مستضعف را بر نامه کار خود قرار دهند و در تشبیت حقوق آنان بکوشند.

دهقانان کم زمین و بی زمین!

باتشکیل کمیته‌های خود و با تکیه به پاسداران متعهد و افراد دلسوز جهاد سازندگی، به مسئولان دولتی کمک کنید، تا قانون اصلاحات ارضی سرپا و بسود شما اجرا شود.



ظاهر شاه، پادشاه مخلوع افغانستان، رهبر اصلی تعدادی از سازمانهای «اسلامی» افغانی است!

در شماره ۴ شهریور ۵۹، روزنامه اطلاعات، صاحبه اختصاصی این روزنامه سید عبدالقادر جواد، خبرنگار رسمی نهضت اسلامی افغانستان، وابسته به «جبهه» آزادیبخش انقلاب اسلامی آن کشور انتشار یافته است. در این صاحبه اعترافات تازه و جالبی درباره ماهیت بسیاری از گروهها و سازمانهای ضدانقلابی افغانی، که همه خود را «اسلامی» مینامند، بیان شده و نیز وابستگیهای این گروهها به امریکا، مصر، پاکستان و چین فاش گردیده است:

در پاسخ به سؤال خبرنگار که بطور کلی چه گروهها و احزاب سیاسی مسلح در افغانستان وجود دارند، سید عبدالقادر جواد پاسخ می دهد: "نهضت اسلامی افغانستان، حرکت اسلامی، سازمان نصر، حزب اسلامی رعد، حزب اسلامی افغانستان، که اینها مسلمان و پیرو خط امام خمینی هستند. ولی احزاب دیگری هستند بنام جمعیت اسلامی افغانستان، جبهه نجات ملی افغانستان، که از طرف امریکا و مصر حمایت می شوند، اتحادیه مجاهدین افغانستان و تنظیم نسل نو هزاره افغانستان، که در پاکستان دفتر دارند و از جانب چین و امریکا و پاکستان حمایت می شوند و اکثریت آنها مائوئیست می باشند.

امریکا عمدتاً پول به مقدار زیاد در اختیار پاکستان قرار میدهد و پاکستان این پولها را در اختیار این احزاب سرسپرده قرار میدهد. این احزاب از مصر و پاکستان اسلحه، تجهیزات نظامی و وسائل دیگر دریافت می کنند. رهبر اصلی این گروهها ظاهر شاه است، که در ایتالیا بسر می برد و اینها همه سرسپرده هستند و امریکا را استعماری نمی شناسند."

سید عبدالقادر در مورد دیدار سران این سازمانها از مصرا اظهار داشت: "سران احزابی مانند جمعیت اسلامی، که پشتوانه های غیر از مصر و امریکا ندارند، چنین سفری انجام دادند. چندی پیش شیخ آصف قندهاری، رهبر حرکت اسلامی افغانستان، نیز مسافرت چند روزهای به کویت کرد و گمگهائی از آنجا دریافت نمود."

اظهارات سید عبدالقادر جواد، خبرنگار رسمی نهضت اسلامی افغانستان، بار دیگر این واقعیت را تأیید میکند که امپریالیسم امریکا و رژیمهای دست نشانده و وابسته به آن در منطقه مانند مصر، عربستان سعودی، ترکیه، پاکستان، و همچنین چین، همان توطئه ها و برنامه های تجاوز مسلحانه و مداخله نظامی را، که علیه انقلاب و جمهوری اسلامی ایران تدارک می بینند و به وجود اجرا می گذارند، درباره انقلاب و جمهوری دمکراتیک افغانستان نیز انجام داده و میدهند، با این تفاوت که، این توطئه ها در ایران علیه اسلام خمینی و نظام جمهوری اسلامی و رهبران انقلاب امام خمینی انجام میگردد، و در افغانستان زیر عنوان پشتیبانی از «اسلام و مسلمانان» و علیه نظام خلقی افغانستان.

اما در همه این توطئه ها یک هدف دنبال می شود: براندازی نظام جمهوری اسلامی ایران و سرنگونی رژیم دمکراتیک در افغانستان، برای روی

کار آوردن رژیمهای دست نشانده و وابسته به امپریالیسم امریکا، که حافظ و پاسدار منافع و مواضع اقتصادی و سیاسی و نظامی امپریالیسم، به سرکردگی امپریالیسم امریکا، در این دو کشور باشند. وابستگی گروهها و سازمانهای ضدانقلابی افغانی، که همه خود را «مسلمان» و «اسلامی» اعلام کرده اند و ارتباط سران این سازمانها با محافل امپریالیستی و عمال و مأموران سازمانهای جاسوسی امریکا، انگلستان، مصر، چین و پاکستان، مسئله ایست که هر چند یک بار در مطبوعات و رسانه های گروهی بازتاب می یابد. از جمله در مورد

فعالیت های مشکوک دفاتر و سازمانهای افغانی و اعضا و وابستگان این دفاتر، در روزنامه های کشور اخبار و گزارشهای انتشار می یابد که نشان می دهد، این فعالیتها نمی توانند هیچگونه وجه مشترکی با اسلام و مبارزه در راه برقراری حکومت اسلامی داشته باشند.

چندی پیش دفاتر جمعیتهای افغانی در مشهد، بعثت شرکت اعضا و وابستگان این دفاتر و سازمانها در معاملات قاچاق مواد مخدر، اسلحه و شرکت در سرقت های مسلح و تماسهای مسئولان آنها با عمال امریکا، از جانب حجت الاسلام صفائی بسته شد و فعالیت های آنان ممنوع اعلام گردید.

در حمله مسلحانه ای که چندی پیش به یک پادگان نظامی در تهران، به قصد تصرف این پادگان انجام گرفت، یکنفر افغانی شرکت داشت. در موارد بسیار دیگری از اینگونه عملیات نیز، عناصر افغانی را میتوان مشاهده کرد.

اعترافات سید عبدالقادر جواد درباره وابستگی برخی گروهها و سازمانهای «اسلامی» افغانی به امپریالیسم امریکا، چین، پاکستان، مصر و دیگر رژیمهای وابسته، و اینکه برخی از این سازمانها زیر رهبری ظاهر شاه مخلوع عمل می کنند، نیز به اندازه کافی گویاست و نیازی به تفسیر ندارد.

انقلاب و جمهوری اسلامی ایران، که با توطئه ها بی دریبی و خطر مداخله و تجاوز مسلحانه از جانب امپریالیسم امریکا و رژیمهای وابسته به آن در منطقه روبروست، بدون تردید، به استحکام و ثبات روابط سیاسی با کشورها و رژیمهای نیاز دارد که، انقلاب و جمهوری اسلامی ایران را تأیید میکنند و آماده همکاری و داشتن روابط دوستانه و برابر حقوق با کشورها هستند. شناخت واقعیت رویدادهای افغانستان و شناخت ماهیت واقعی گروهها و سازمانهای ضدانقلابی افغانی، که به تحریک و با کمک نیروهای امپریالیستی علیه رژیم دمکراتیک و دولت قانونی آن کشور عمل می کنند، عاملی است که می تواند به اتخاذ یک سیاست واقع بینانه و مدبرانه، بدور از هرگونه پیشداوری و تعصب نسبت به کشور همسایه ما افغانستان کمک کند، و موجب برقراری روابط عادی و دوستانه میان دو کشور گردد. اتخاذ چنین سیاستی در نتیجه نهائی هم به نفع انقلاب و جمهوری اسلامی ایران و هم به نفع انقلاب و جمهوری دمکراتیک افغانستان خواهد بود.

روزنامه های هند: پاکستان، به همدست آمریکا و چین علیه شوروی، افغانستان و جنبشهای آزادیبخش منطقه تبدیل شده است

روزنامه های هند قویاً افزایشی تدارکات نظامی در پاکستان را محکوم میکنند. روزنامه «تایمز» ایندیانا نوشته است که طرح های رژیم دیکتاتور ضیاء الحق بگونه ای چشمگیر قدرت کمی نیروهای مسلح پاکستان را، که در سال گذشته هفتاد درصد افزایش یافته، بالا می برد و هند نگران این اوضاع است.

این روزنامه توجه را به این حقیقت جلب میکند که، این طرح های خطرناک رژیم دست نشانده ضیاء الحق، با تبلیغات دیوانه وار ضد هندی مطبوعات تحت کنترل و تحت سانسور پاکستان و گزارشهای بی اساس و بی سروته آنها درباره علل آشوب های فرقه ای و مذهبی در هند همزمان شده است. این روزنامه تا کید میکند که تدارکات نظامی رژیم دیکتاتور و سرسپرده ضیاء الحق متوجه هند است.

روزنامه «پاتریوت» مینویسد که طرحهای نظامی ضیاء الحق خطری علیه هند و افغانستان و دیگر کشورهای منطقه است. این روزنامه نوشته است که ادعاهای بی اساس رژیم ضیاء الحق مبتنی بر اینکه متحد (بخوان: ارباب) آن امریکا از دادن سلاحهای مدرن به این رژیم خودداری میکند، بکلی بی اساس است. زیرا امریکا از طریق رژیم دست نشانده دیگر خود، عربستان، همه نوع سلاح مدرن در اختیار پاکستان قرار میدهد.

این روزنامه می افزاید که پاکستان به همدست امریکا و چین علیه شوروی و افغانستان و جنبش آزادیبخش منطقه تبدیل شده است.

تظاهرات مردم پاکستان علیه رژیم دست نشانده ضیاء الحق

در پاکستان تظاهرات علیه رژیم دست نشانده ضیاء الحق ادا می دارد. از جمله در بلوچستان پاکستان و چند ناحیه دیگر، صدها هزار تن به خیابانها ریختند و با شعارهای «مرگ بوردیکتاتور» و «مرگ بر رژیم دست نشانده ضیاء الحق» نفرت خود را از سیاستهای حکومت سرسپرده پاکستان اعلام کردند.

ادوارد گیرک: تنها لهستان سوسیالیستی میتواند همچنان استقلال و ایمنی و حیثیت بین المللی کشور را تضمین کند

ادوارد گیرک، دبیر اول کمیته مرکزی حزب متحد کارگری لهستان، گفت که باید هر چه زودتر به حل مسائل کنونی آن کشور اقدام کرد.

وی گفت که مقامات لهستان مسائلی را که به تعطیل برخی از واحدهای صنعتی آن کشور انجام میدهد است، مورد بررسی انتقادی قرار داده اند.

گیرک، ضمن اشاره به ضرورت تسریع آهنگ عادی سازی زندگی همگانی و اجتماعی، گفت:

"شرط عمده دستیابی به این هدف، برطرف ساختن علل رافایی عمومی و احیای محیط اعتماد متقابل است. وی اطلاع داد که برای ارضای نیازمندی های فوری اجتماعی، ترکیب تولید تغییر خواهد کرد.

حزب متحد کارگری لهستان و «حزب متحد دهقانان» آن کشور، به اقدامات مشترکی برای افزایش تولید کشاورزی خواهند پرداخت.

ادوارد گیرک بار دیگر یادآور شد که تنها لهستان سوسیالیستی میتواند همچنان استقلال و ایمنی و حیثیت بین المللی کشور را تضمین کند.

آمریکا و چین صلح و ثبات آسیا را تهدید میکنند

در اعلامیه ای که از سوی وزارت خارجه ویتنام در هانوی انتشار یافت، آمده است:

"وضع بفرنج منطقه (هندوچین) ناشی از دخالت آمریکا برای ایجاد نفاق میان کشورهای هندوچین و آسیاست. سیاست برتری جویانه چین و همدستی آن با ایالات متحده خطر مستقیمی برای صلح و ثبات در آسیای جنوب خاوری به شمار می رود."

تظاهرات مسلمانان هند علیه رژیم ضیاء الحق

مسلمانان هند تظاهرات بزرگی در مقابل سفارت پاکستان در دهلی نو برپا و علیه مداخله پاکستان در امور داخلی هند اعتراض کردند. سخنرانان اعلام کردند که رژیم ضیاء الحق با اختلافات فرقه ای و مذهبی دا من میزند و اخطا رکردند که از این مداخلات دست بردارند.

در این میان، با خوا پیندیرا گاندی، نخست وزیر هند گفت که عوامل خارجی محرک درگیری های اخیر فرقه ای در کشور بوده اند. گاندی اذاعه کرد که اطلاعاتی در این مورد بدست آمده است.

روزنامه های هندی بارها پاکستان و چین را به دست داشتن در آشوبهای هند متهم کرده اند.

تجاوز صهیونیستهای تل آویو به جنوب لبنان همچنان ادامه دارد

گزارشهای مطبوعات لبنان نشان میدهد که در چند روز گذشته صهیونیست ها هشتاد سرباز و دهها تانک و توپ دیگر در جنوب لبنان مستقر کرده اند. توپخانه نیروهای صهیونیستی با رها اردوگاه های آوارگان فلسطینی و مواضع نیروهای میهن پرست لبنان را زیر آتش گرفته است. نیروهای صهیونیستی میخواهند فلسطینی ها و سوریه را از مبارزه علیه طرحهای خائنانه کمپ دبوید بازدارند و فلسطینی ها را در لبنان مرعوب سازند.

محافل ارتجاعی خواب تغییر نظام اجتماعی را در لهستان می بینند!

به نوشته یکی از مفسران خبرگزاری «تاس»، مشکل بتوان جازو جنجال تبلیغاتی را، که در غرب بیرامون اوضاع لهستان راه افتاده است، چیزی جز تلاش جهت مداخله در امور داخلی یک کشور سوسیالیستی تلقی کرد. محافل امپریالیستی میگویند تا حوادث را در راستای مورد پسند خود بکشانند.

از سوی دیگر، روزنامه «وست فلیشه» روندشائو (آلمان غربی) به «تخصیص سیستم اجتماعی لهستان و دیگر کشورهای اروپای شرقی» دعوت کرده است.

"تاس در این باره می نویسد: چنین دعوتی به هدف های تشنج دایی و تقویت اعتماد متقابل میان خلق ها خدمت نخواهد کرد."

نیروهای مبارز السالوادور ضربات درهم شکننده ای به ارتش مزدور وارد می کنند

هزاران نفر در مقابل سفارت آمریکا در مکزیکو، علیه طرح های امپریالیسم آمریکا برای مداخله مسلحانه در السالوادور دست به تظاهرات زدند. نیروهای چپ السالوادور اعلام کرده اند که کشتی های جنگی آمریکا، از جمله نا هوا پیمایر با دو هزار تن فنگدار دریایی، در نزدیکی سواحل السالوادور دست به مارتور زده اند و خود را برای مداخله در این کشور آماده میکنند. تدارکات جنگی آمریکا در حالی مورت میگردد که، نیروهای مبارز السالوادور ضربات درهم شکننده ای به ارتش مزدور وارد میکنند. نیروهای مسلح چپ با همکاری نزدیک توده ها، عرصه را بر رژیم سرسپرده السالوادور تنگ تر میکنند. امپریالیسم آمریکا سبیل سلاح و کارشناس نظامی را به السالوادور سرازیر کرده است.

وزیر دارائی افغانستان: غرب سدا راه پیشرفت کشورهای در حال توسعه است

عبدالوکیل، وزیر دارائی افغانستان، در نطق خود در اجلاس مجمع عمومی سازمان ملل گفت که نظام اقتصادی غیر عادلانه فعلی تنها منافع گروه کوچکی از دول امپریالیستی را تأمین میکند. وی گفت که غرب عالم را عمارت سدا راه پیشرفت کشورهای در حال توسعه شده است.

وزیر دارائی افغانستان گفت که غرب میخواهد کشورهای در حال توسعه کماکان بعنوان تأمین کنندگان مواد خام استفاده کنند و قطع ارسال مواد غذایی به افغانستان نمونه ای از فشارهای بیشترانه کشورهای امپریالیستی علیه یک دولت دارای حق حاکمیت است.

در جهان سوسیالیسم

افزایش درآمد سرانه در مجارستان

حزب سوسیالیست کارگری مجارستان اینک ۸۱۱۸۳۳ عضو دارد. از ۱۴۱۳۱۳- کمونیستی که در دوران بین دوکنگره اخیر به عضویت حزب درآمده اند، ۶۲/۸ درصد کارگر و با دهقان هستند. در سالهای ۷۹-۱۹۷۶، در آمد ملی مجارستان سالانه بطور میانگین ۴/۱ درصد افزایش یافت. این افزایش تولید با رآوری کار ربوده است. در چهار سال گذشته تولید صنعتی، سالانه بطور میانگین ۴/۷ درصد افزایش یافت. رشد تولید شاخه الکترونیک از دیگر منابع سریع تولید در همین دوران، میانگین افزایش تولید کشاورزی مجارستان ۳/۳ بود. درآمد سرانه واقعی مردم مجارستان در چهار سال گذشته ۹ درصد و مزد حقیقی سرانه آنها ۵ درصد افزایش پیدا کرد. ۵۳ درصد واردات و ۵۶ درصد صادرات - مجارستان با کشورهای سوسیالیستی است

در جهان سرمایه داری

بیکاری گسترده در جنوب اسپانیا

در روزهای گذشته اخبار رسیده از جنوب اسپانیا، حاکی از آن بود که دهقانان به سدا راه پرداختند، زمینها را تصاحب کردند و از برداشت محصول جلوگیری عمل آوردند. آنها بدینوسیله، بوابه اعتمادات و تظاهرات اعتراض آمیز خود در برخی نواح، علیه سیاست کشاورزی دولت اسپانیا بیجا هستند. مدت هاست که مردم، سدیگه او احزاب سیاسی اسپانیا خواستار اجرای فوری اصلاحات ارضی هستند، تا با بنیان بایکری وسیع، بویژه در میان سکه روستایی مبارزه شود. بنظر آنها، کمکهای مالی دولت در این زمینه به هیچ روی کافی نیست و نتواند به حل بنیادی مسئله بیکاری بیانجامد. از ۱/۶ میلیون سکه «آندالوزی»، اینک تقریباً یک چهارم مردم، بویژه در روستاها، بیکارند. بدین ترتیب، در حدود ۳۰ درصد ۱/۴ میلیون بیکار اسپانیا در این منطقه زندگی میکنند. تنها در «سویلا» بیش از ۱۷۵۰۰ کارگر موسی بیکارند.

لئونید بر ژنف: فقط ملت ایران میتواند معین کند که از کدام راه پیش خواهد رفت

بقیه از صفحه ۱

«وضع بین المللی در زمان حاضر تا حدود زیادی بفرع است. در صحنه جهان میان نیروهای هوادار صلح و محترم شدن حقوق ملتها و تشنج زدائی و نیروهای نظامیگر و تجاوزکار، یکبار سیاسی در جریان است. و در اینجا بخصوص در مورد سیاستی که دولت ایالات متحده آمریکا در حال حاضر دنبال میکند، باید صحبت کرد. کسانیکه سیاست خارجی دولت ایالات متحده آمریکا را تأیید می کنند، علنا دگرگونیهای تاریخی را که در عرصه جهان روی داده و تناسب جدید قوا را در جهان نمی بینند و یا نمی خواهند ببینند. آنها هنوز این امید را در سر می ریزند که شاید بتوانند بر ضد اراده ملتها پیش بروند و کشورهای مستعمراتی را که امکان و قدرت دفاع از خود را ندارند، به تابعیت از سلطه و سیطره خود در آورند. آنها میخواهند سیاست خود را به این کشورها با امر و دستور تحمیل کنند و ثروتهای طبیعی آنها را در اختیار خود بگیرند. واشنگتن بعلاوه انقلابیهای اجتماعی در آسیا و آفریقا و بعلاوه اینکه در آمریکای لاتین رژیمهای ترقیخواه بحکومت رسیده اند و بعلاوه اینکه رهبران ادوای غربی گرایش دارند در سیاست استقلال معنی بخرج بدهند، و در فکر مصالح ملی کشورهای خود باشند، سخت آتشی شده است. تصمیم مبنی بر استقرار و موثکبای جدید آمریکایی با کلاهکهای هسته ای در ادوای غربی، که دولت ایالات متحده آمریکا به ناتو تحمیل کرده، بخاطر علل مفهومی، گرائی و اعتراضات محفل اجتماعی ادوای غربی و جهان را برانگیخته است. بنا بر این دولت ایالات متحده آمریکا به اصطلاح استراتژی هسته ای جدید خود را اعلام کرد. ماهیت اصلی و عمده این استراتژی در واقع به این امر منتهی میشود که خود اندیشه جنگ هسته ای را بنحوی بیاریزند که برای افکار و عقاید عمومی بیشتر قابل پذیرش شود. و مقصود از شیرین زبانیها درباره به اصطلاح محدودیت و یا جزئی بودن کاربرد سلاح هسته ای هم همین است. ولی این دناوی هیچ وجه مشترکی با واقعیات ندارند و قطنمردم را همراه میکنند. این سیاست فوق العاده برای ملتهای جهان خطرناک است. حتی بدستواری میتوان در نظر مجسم ساخت که این سیاست را دولتی اعمال میکند که با اتحاد شوروی موافقتنامه جلوگیری از جنگ هسته ای را امضاء کرده است. تصادفی نیست که این اقدام واشنگتن با برآشفتگی ختم آگین محافل و سرح اجتماعی و سیاسی جهان روبرو گردیده است. آمریکا میخواست عدم رضایت خود را از سیاست اتحاد شوروی ظاهر سازد، زیرا اتحاد شوروی برای امنیت خود مراقبت و مواظبت طبیعی ابراز میدارد و دوستان خود را در سختی و مصیبت تنها نمی گذارد. دولت آمریکا درصدد برآمد چیزی شبیه به تحریم اتحاد شوروی برپا کند. دولت آمریکا تملکهای سیاسی و دیگر تملکهای خود را با کشورها، بکریس از دیگری، شروع به گسختن کرد و مذاکرات درباره مسائل خلع سلاح را قطع کرد و حتی شرم نکرد که از مسائل بازرگانی بعنوان حربه فشار سیاسی استفاده

کند، انواع و اقسام شگردها را برای برهم زدن بازاری های المییک در مسکو بکار برد و از دیگر کشورهای خواست به این سیاست ضد شوروی ملحق شوند. و اما چه حاصل! حالا همگان می بینند که تلاش برای امحاء تشنج زدائی و برتاب کردن دنیا به جنگ سرد جدید، مطلقا مورد تأیید توده های وسیع مردم و اکثریت دولتها قرار نگرفت و برای مبتکران آن سودی بیار نیارود. اتحاد شوروی مقادیر ضروری از کالاهایی را، که دولت آمریکا فروشی را به اتحاد شوروی ممنوع کرده بود، از دیگر کشورهای خریداری کرد. در این میان فقط فارمها و کارخانه های آمریکایی مضرر شدند. بازاریهای المییک بنابر اذعان همگان به طرزی عالی برگزار شد و به جشن واقعی ورزش و دوستی میان ملتها مبدل گردید و مخالفان آن خجیل و شرمند شدند. و اما در آنچه که به با اصطلاح انفراد سیاسی اتحاد شوروی مربوط میشود، باید گفت که هرگز انفراد سیاسی اتحاد شوروی وجود نداشته، وجود ندارد و وجود نخواهد داشت. تملکهای اخیر ما با بسیاری از دولتها، و منجمله مذاکراتمان با رئیس جمهوری فرانسه و صدراعظم جمهوری فدرال آلمان، به طرزی متعین نشان دادند که ضرورت حفظ و ژرف تر ساختن تشنج زدائی و همکاری صلح جویانه بین المللی و ضرورت مبارزه با به صحنه تسلیحاتی را در همه جا، و منجمله در میان متحدان آمریکا، بخوبی درک میکنند. کاملا طبیعی است که اتحاد شوروی، که به اصول لنینی سیاست خارجی خود و به متن و سند نهایی که ۵ سال پیش در هلسینکی به امضا رسید، صادق و وفادار است، به پیشرفت و گسترش مناسبات مسالمت آمیز و متقابل مفید یا فرانسه و جمهوری فدرال آلمان و دیگر کشورهای اروپای غربی توجهی بسیار جدی مبذول کرده و خواهد کرد. باری بطور کلی میتوان گفت که تدریجا فهم و درک این مطلب، که هیچیک از مسائل جدی موجود در جهان کنونی را نمی توان از راه سیاست تکیه بر زور و اسلحه بر خ کشیدن حل و فصل کرد، بیشتر میشود. باید فکر کرد که رهبران ایالات متحده آمریکا هم در این راه به همین نتیجه خواهند رسید. البته هر چه زودتر برسند بهتر است. سیاست خارجی کشور ما سیاست واحد و شرافتمندانه صلح جوی است و علیه هر طرف زلتن متوجه نیست. ما بخت هیچکس نظر نداریم و در امور داخلی هیچکس مداخله نمی کنیم. ولی همیشه می توانیم از حقوق و منافع قانونی خود دفاع کنیم. نیروهای صلح پرشیمان ما تمام وسائل لازم را در اختیار دارند، تا اینکه پیر متجاوزی جواب دندان شکن بدهند. ما با ارتش های ملی کشورهای جامعه سوسیالیستی یوندهای برادری جنگی داریم. دو جهت عمده در سیاست بین المللی، که من دربارهاش صحبت کردم، در قاره آسیا هم مقابل یکدیگر ایستاده اند. سیاست صلح جویانه اتحاد شوروی، دوستی، همکاری و تبرک مساعی ما با کشورهای

سوسیالیستی برادر مغولستان، ویتنام، لائوس، کامبوجیا و جمهوری دموکراتیک خلق کزوه، مهمترین عامل صلح و ثبات در آسیاست. دیدارها و گفتگوهای اخیر ما با رفقا، لهوان، فانوان دونگ، کونبال کیسون فون- یکان، هنگ سامرین و یسوان تأیید کردند که، همکاری با این کشورها در تمام جهات بسیار موفقیت یسرف میکند. در همین قاره آسیا سیاست صلح دوستانه و واقع- یبانه هندوستان نقش مثبت مهمی بازی میکند. ما برای دوستی و همکاری متقابل سودمند با این کشور اهمیت زیاد قائلیم. ما برای خلق کبیر هندوستان از صمیم قلب صلح و شکوفندگی آرزو داریم. مناسبات اقتصادی و غیر اقتصادی ما با ژاپن چشمگیر و برای طرفین سودمند است. ما آملاهای این مناسبات را بزرگ هم گسترش بیشتری بدیم. تا حد اندازه در این راه موفق خواهیم شد. به ژاپن بستگی دارد. بسته به آلتی که رهبری ژاپن تا چه اندازه میتواند از خطمی مستقل و واقع یبانه در سیاست خود پیروی کند و به نفوذ خارجی، که ژاپن را بره خطرناک تقسام گیری و اقدامات خصومت آمیز با اتحاد شوروی سوق میدهد، تسلیم نشود. یکن و واشنگتن هم صدا شده، ژاپن را از توهمنات مبتذل با اصطلاح خطر شوروی میترسانند. ولی باید توقع داشت که سیاستمداران ژاپن خواهند توانست در ارزیابی اوضاع هوشیاری ابراز کنند و استعداد داشته باشند که واقعیات را همانطور که حقیقتا وجود دارد، ببینند نه آظور که در آمریکا یا چین وانمود میسازند. و اما در آنچه که مربوط به خود چین است، باید گفت که، اکنون در این کشور روندهای درونی جدی در جریان است و بقول معروف این روندها را حتی با چشم غیر مسلح هم میتوان دید. هنوز زود است که اهمیت واقعی این روندها را ارزیابی کنیم، لیکن واضح است که همین حالا، برخی نظریات مائوئیستی، هم در توری و هم در عمل پیشرفت و ترقی درونی کشور، که هیچگونه وجه مشترکی با سوسیالیسم ندارند، در چین علنا یا پنهانی مورد انتقاد قرار میگیرد. مثلا انقلاب فرهنگی کفاری را در آنجا حالا صریحا همچون بزرگترین مصائب برای مردم چین ارزیابی میکنند. ولی متأسفانه تمام اینها فعلا در سیاست خارجی چین تأثیری ندارند. سیاست خارجی چین بزمان اندازه سابق نیست به اتحاد شوروی، ویتنام، مغولستان و دیگر کشورهای سوسیالیستی و نسبت به آلمان و صلح و تشنج زدائی خصمانه است. و حتی بدتر از آن، یکن یا تجاوزکار- ترین محافل امپریالیستی ایالات متحده آمریکا و دیگر کشورهای امپریالیستی نزدیک میشود و تلاش خود را به منظور تصادم این کشورها با اتحاد شوروی تشدید میکند. آنچه در حالیکه سیاستمداران امپریالیستی میکوشند چین را در اقدامات ضد شوروی عمیتر درگیر کنند. مثلا امپریالیسم آمریکا در تلاشهای خود برای اختلال انقلاب افغانستان و تبدیل افغانستان به سرلر جدید

تهدید اتحاد شوروی و کشورهای مستقل و آزادی دوست خاور زمین، بصرافه از خدمات چین و پاکستان بهره میگیرد. ولی این تلاشها محکوم به شکست اند. ما به درخواست دوت افغانستان برای کمک به دفع تجاوز پلخ دایم و فریضه خود را بر طبق قرارداد دوستی شوروی و افغانستان و بر طبق اسلنامه سازمان ملل متحد تا آخر انجام خواهیم داد. در این مورد هیچ کس نباید شک و تردید داشته باشد. ما هوادار حل و فصل سیاسی مسئله هستیم و یکنه راه رسیدن به این هدف، از راه قطع مداخلات مسلحانه ضد انقلابی و از راه توافق میان دولتهای افغانستان و همسایگتی و در درجه اول پاکستان میگذرد. دولت ایالات متحده آمریکا از اوضاع ایران هم همچون بهانه ای برای تشدید وخامت اوضاع بین المللی و تشدید صابته تسلیحاتی استفاده میکند. محاصره اقتصادی ایران قطع نمیشود. کما فی السابق ناوهای نیروی دریایی آمریکا، که هواپیما و نفرات کماندو در عرشه دارند، در اطراف ایران گشت میزنند. ما این گونه عملیات را غیر مجاز میدانیم و با عزمی راسخ از این اصل پیروی میکنیم که، فقط ملت ایران میتواند معین کند که از کدام راه پیش خواهد رفت. تصور میکنم بحق باید توقع داشته باشیم که، رهبران ایران هم در مورد دیگر کشورها و در درجه اول نسبت به همسایگان خود چنین روشی اتخاذ نکنند. تکرار میکنم، اوضاع بین المللی بفرع است. اکنون برای کشورها و ملتها وظیفه ای مهمتر از این وجود ندارد که، نگذارند سیاست امپریالیستی از موضع قدرت و زور، تشنج زدائی را کنار بزنند. نگذارند چرخ صابته تسلیحاتی سرعت جدیدتر و بسیار خطرناکتری به گردش درآید. اتحاد شوروی و دیگر کشورهای سوسیالیستی آماده اند که بیدرتک به بررسی این مسئله بپردازند و گواه این آمادگی برنامه گسترده ای است که اجلاس کمیته مشورتی سیاسی کشورهای عضو پیمان ورشو در ماه مه اعلام کرد و پیشنهادهای اخیر اتحاد شوروی درباره مسائل مربوط به سلاحهای موشکی و هسته ای در اروپا و همچنین کاهش نیروهای نظامی و تسلیحات در اروپای مرکزی. ما در انتظار پاسخ پیشنهادهای خود از رهبران کشورهای غربی هستیم. ما برای انجام اقدامات مشخص به خاطر تحکیم مبانی صلح و ساهب سازی اوضاع بین المللی، حاضریم و از آنها هم چنین آمادگی را انتظار داریم. سیاست کشورهای سوسیالیستی با منافع اساسی همه ملتها مطابقت دارد. میلیونها تن در سراسر جهان این سیاست را تأیید و تصدیق میکنند و من میتوانم با صراحت کامل بگویم که، ما در آینده نیز با استواری و پیگیری از این سیاست پیروی خواهیم کرد.

بمناسبت یازدهمین سالگرد انقلاب لیبی

تحکیم مناسبات دوستانه بین ایران و لیبی، بسود پیکار متحد علیه امپریالیسم و صهیونیسم است

امروز یازدهمین سالگرد انقلاب لیبی است. ضمن شادباش میبایمانه به خلق و دولت لیبی و آرزوی موفقیت بیشتر در مبارزه بر ضد امپریالیسم از فرمت استفاده میکنیم و به اختصار به بررسی برخی از جنبه های سیاست پیگیری ضد امپریالیستی این کشور می- پردازیم. لیبی، پس از انقلاب سال ۱۳۴۸، که به سرنگونی رژیم وابسته و ارتجاعی ادریس انجامید، نه تنها در زمینه داخلی به دستاوردهای ستونگی قابل گشته، بلکه و بویژه در گستره بین المللی به یکی از پیگیرترین کشورهای عربی در پیکار علیه صهیونیسم و امپریالیسم مبدل شده است. لیبی در سراسر دوران پیراز انقلاب کوشیده است، تا خویش را از وابستگی اقتصادی و سیاسی به کشورهای امپریالیستی برهاند و از انرژی و نیرو نیز هوادار ایستادگی سرسختانه و زویادویی خصم گنانه این کشورها و ابقار محلی آنها

را برانگیخته است. این مقاومت و مقابله بویژه آنگاه سمین شد که، زمامداران لیبی در روند تجربه آموز انقلاب دریافتند که، کشورهای سوسیالیستی، و در مرکز آنها اتحاد شوروی، صدیق- ترین، پیگیرترین و موثرترین پشتیبانان جنبش های آزادی بخش جهان و کشورهای نوپای ضد- امپریالیستی هستند. تبلیغات امپریالیستی، علیه لیبی، که نخست بویژه به «استیزای انقلاب لیبی» میرداخت و به رهبران آن کشور، بویژه سرهنگ قذافی، توهین میکرد، با سمتگیری فزاینده لیبی در راستای پیکار ضد امپریالیستی و همکاری آن با گردانهای گوناگون آن، بویژه نیروی پرتوان کشورهای سوسیالیستی و اتحاد شوروی، هر چه بیشتر به سیاسی های خصمانه و کینه توزانه خود علیه لیبی افزود. لیبی این تخم و کین امپریالیسم و جارجیان آنرا تنها در بونو سیاست قاطع

ضد امپریالیستی و استقلال طلبانه خود، از جمله در خاورمیانه، اندوخته است. بویژه پس از دسیه «کمپ- دیوید»، امپریالیسم، بسرکردگی امپریالیسم آمریکا، دریافت که لیبی نه تنها یکی از سرسخت ترین افشارگان توطئه پردازی ضد خلقی و چپاولگرانه او در منطقه است، بلکه بعنوان عضو فعال «جبهه پایداری»، سدی در برابر قنف- گریه های خائنه ایادی، چون سادات، است. بنابراین شکست نیست که یاران امپریالیسم آمریکا در منطقه، مدت هاست که ساز ناهنجاری را علیه لیبی آغاز کرده اند. رژیم ارتجاعی تونس، به بهانه آنکه مخالفان آن از هواداری لیبی برخوردارند، به بهانه «کمک- های بازم بیشتر فرانسه و آمریکا دست زد» است. حتی «لیبرال های تونس، که چند صباحی از چشم فرمانروایان آن کشور افتاده بودند، اینک تلاش میکنند که زیر پرچم «اتحاد در برابر دشمن» (یعنی لیبی!) بزم آشتی کنان خود را باز رژیم تدارک بینند، در چانه رژیم دست نشانده فرانسه، ادامه حضور نیروهای مسلح

فرانسوی را در آن کشور «باخطر لیبی» توجیه میکند و اربابان پاریس نشین نیز منت می گذارند و بقای سپاهیان خویش را در جاده، تنها تأمین خواسته های رژیم «نجانمان» می خوانند. سادات، خائن، که در دسیه امپریالیستی «کمپ دیوید» اختصار «بازیکر اصلی» به او واگذار گشته، یکی از گستاخ ترین دشمنان لیبی شده است. زمامداران مصر، که دیگر «دعوائی» یا صهیونیست های اسرائیل ندارند، بخش بزرگی از نیروهای نظامی خود را از جبهه جنگ با اسرائیل فراخوانده و در مرز های لیبی مستقر کرده اند. اخباری که اکثر دربارده احتمال حمله مصر به لیبی در برخی از رسانه های گروهی نشر می یابد، از نقشه های تجاوز- کارانه مصر علیه لیبی خبر میدهد. رژیم سرسپرد مصر سه سال پیش نیز به چنین تجاوزی دست زد. دوستی لیبی و کشورهای سوسیالیستی، بدون تردید، در مقابله با باغچه های سادات تکیه گام موثری بوده است. بگفته سفیر لیبی در ایران: «اگر ما سلاح های را که از شوروی گرفته ایم و از آن صحت زیاد میشود، نداشتیم، الانمادات رئیس جمهور مصر و لیبی با هم بوته. لیبی، که بخاطر هواداریش از انقلابیون ایران زمانی مضروب محض رسا گشت و رژیم دست- نشانده بیلوی بلمستور اربابش با آن قطع رابطه کرد، پس از پیروزی قیام ۲۲ بهمن نیز همواره از انقلاب ضد امپریالیستی، دموکراتیک و خلقی ما به پشتیبانی همه جانبه برخاسته است. از سوی دیگر، بگواهمصاحبه ای که سعد نجیر، سفیر لیبی در ایران، چند روز پیش باخبرگزاری پارس بعمل آورده، لیبی معتقد است که ایران انقلابی میتواند و باید، در کنار دیگر تیره های راستین انقلابی منطقه، به یکی از اجزای عمده جبهه مبارزه ضد امپریالیستی و صهیونیستی در منطقه ببدل گردد. سفیر لیبی پیشنهاد کرده است که برای تحکیم این مبارزه، صهیونیسم توان بخشد.

تأمین کار برای کارگران بیکار یکی از نخستین وظایف دولت انقلاب است

تازه ترین شاهکار آقای دکتر یزدی در کیهان

روزنامه کیهان، ارگان لیبرال-های ایران، که به سرپرستی آقای دکتر یزدی، وظیفه ادامه تبلیغ سیاست گام به گام را بر عهده گرفته است، تازه ترین شاهکار خود را در دروغ بر آگهی در شماره دیروز خود به عرض نمایش گذاشت. از کاران لیبرالهای ایران، به نقل از ساندی تایمز، یکی از ارگانهای امپریالیستهای انگلیسی، نوشته است:

«اتحاد شوروی برای قوت کمونیستها، قریب به ۷ هزار فارسی زبان به استان آذربایجان ایران فرستاده است. این افراد از ناحیه تاجیکستان میباشند و موفقیتهای قابل توجهی در تیزر کسب کرده اند. تاجیکها در آذربایجان مدارس مخفی تاسیس نموده اند و قول داده اند تا سینماها را بکشایند و حجاب اجباری را لغو سازند.»

شاید امپریالیستهای انگلیسی، که بنا بر وظیفه میکوشند در آستانه یورش جدید خود بر خاک پسر صومالی خود، امپریالیستهای امریکائی، علیه انقلاب ایران، افکار را به جانب خطرات موهوم منحرف کنند، بتوانند به خواننده بیخبر انگلیسی خود، این دروغ بزرگ و بویژه مشطک را بقبولانند. اما آقای دکتر یزدی که باید بدانند زبان آذربایجانیها فارسی و زبان تاجیکها آذربایجانی است! آقای دکتر یزدی قبل از انتشار چنین به اصطلاح خبری قاعدتاً باید این سؤال را برای خود مطرح کنند که چگونه ۷۰۰۰ تاجیک توانستند به ایران بیایند بدون اینکه هیچکس متوجه شوند!...

آخر دروغ هم - مثل هر چیز دیگر - حدی دارد. آیا شدت غرض و کینه نسبت به کمونیستها و اتحاد شوروی - که دوستان صدیق انقلاب ایران اند - تا به آنجاست که چنین دسته گلی به آب داده شود؟! **توجه!**

مقالات زیر نامه مردم به بسیاری مطالعه ویژه رفا توصیه میشود: - ضد انقلاب در عمل (شماره ۲۹۷). - امپریالیسم جهانی، سرکردگی امپریالیسم آمریکا، همچنان آماج اصلی انقلاب ایران است (شماره ۳۲۰).

در ادامه محاکمه عاملان فاجعه سینما رکس: طرح عملیات ساواک در جنایت سینما رکس فاش شد

دادگاه - تریبونی برای انشلی جنایات رژیم شاه سابق

آقای قیبی، دادستان ویژه پرونده فاجعه هولناک سینما رکس، در یک مصاحبه اختصاصی با روزنامه کیهان، که در شماره روز ۹ شهریور این روزنامه چاپ شده است نکات جالب توجهی را بیان داشته است. وی درباره متهمین و فراریان این فاجعه گفته است:

«آنها که در مظان اتهام هستند از رژیم شریانی وقت تا معاونین او گرفته و مأمورین شریانی را تشکیل میدهد، که البته یک سری متهمان رده بالا متأسفانه متلاسریت رژیم قبل از یزیدی انقلاب فرار کرده و بقیه هم بعد از انقلاب بوسیله کسانی که اینجا صاحب سمت در کمیته بوده اند فراری داده شده اند و الان هم مواروی و غایب هستند. این دادگاه به پرونده آنها رسیدگی خواهد کرد و حکم غیابی صادر خواهد شد. دولت باید به هر وسیله ای که میتواند و تا حدی که امکان دارد سعی کند این فراریان را استرداد نماید، چون اینها کسانی هستند که در خارج از ایران ساکن هستند افرادی نظیر مهندس جزیری شهردار وقت و مهندس عزیز رئیس سازمان آب فراری هستند و اینها افرادی بودند که با گرفتن تصمیم قرار وثیقه آزاد شدند و با وجودی که ما اسامی آنها را در روزنامه اعلام کردیم، خود را معرفی نکرده اند.»

در ارتباط با شرکت مستقیم رژیم شاه سابق در این جنایات، دادستان گفته است:

«آقای قیبی در بیان این جنایت در دست هست که این کار توسط رژیم انجام گرفته که گمان می کنم با برگزاری دادگاه خود بخود این مسئله برای هم روشن خواهد شد. این یک کار سازماندهی شده از پیش بوده است و جز رژیم هیچکس اینکار را انجام نداده است. هر چند عامل اجرایی و باکند از عوامل اجرائی آدمهایی ساده و احمالاً غیروایسته بودند. این دادگاه میتواند یک تریبونی باشد برای افشای یک دهه از جنایات رژیم که آن رژیم کرده ولی خوب متأسفانه ما دست بدانان هر کسی شدید، سند و مدرکی ما نداشت. مثلاً سازمان اسناد ملی انقلاب اسلامی، با وجود نامه ای که خود آقای قیبی نوشت و با وجود مراجعات روزانه، ما و بهر جا که فکر میکردیم مطلب ببرد بخوری ممکن است بشد، مراجعه کردیم، بجز شهربانی کل، هیچکدام چیز ما ندادند.»

کلا مقامات مسئول از دادن اسناد و مدارک ایا دارند و خودداری می کنند. اسناد فراوانی وجود دارد که آدم وقتی که برخورد می کند از غفلتی که ارگن های اجرایی داشتند از افشای جنایاتی که در رژیم سابق صورت گرفته تعجب می کند.»

دادستان در پایان مصاحبه در جواب این سؤال گفت: «آیا افرادی که دستگیر شده اند واقعا مقصرند؟» اینهایی که دستگیر شده اند اکثرشان مقصرند و اگر گمان دیگری ما در این رابطه پیدا کردیم، که مقصر و دخیل بودند، مردم همه موفقند که اینها را دستگیر کرده و تعویل ندهند. بنابراین جهت ندادند که اگر کسی مقصر بود، ما از تعویض خودداری کنیم. البته وظیفه من وقتی اینجا آدم فقط این بوده است که پرونده را برای تعویل بنادگاه تنظیم کنم. ولی بهرحال تحقیقاتی را کرده ام.»

یازدهمین و دوازدهمین جلسه محاکمه عاملان جنایت هولناک سینما رکس آبادان، دیروز و پریروز در آبادان پشتمر گذاشته شد. در جلسه یازدهم محاکمه، ابتدا یکی از شهود بنام حسین نجارزاده احضار شد. وی طی سخنانی گفت:

«آتش شاهد بودم که همه مأموران فحش میدادند آنها به امام هم فحش میدادند که چرا خودش همراه با مردم در آتش نمیوزند.» سپس متهم ردیف هفتم، بنام سرگرد مسعود خنجر، به جایگاه احضار شد. وی از جمله گفت:

«... نمیدانم این آتش نشانی پلاینگاه که در خاورمیانه بی نظیر است، چگونه شد که سینما را خاموش نکرده اند! عملیات پلیس را سرهنگ امینی رهبری می کرد و تیمسار رزمی به اطاق خودش رفته بود...»

شاهد پندی دادگاه، علی محمدی، گفت: «نزدیک کافه لندن ایستاده بودم، دیدم یکباره برق سینما قطع شد و صدای جرقه آمد و برق خرابیها قطع شد... سرهنگ امینی آمد و بعد ۱۰ تا ۱۵ مأمور آمدند و جلوی در سینما را گرفتند و گفتند که چهار خرابکار رفته بالا و میخواهند خرابکاری کنند. پس از آن گفتم: بگذارید با ماشین خودم بزنم در سینما را بشکنم، اما نگذاشتند. بعد چهار طرف سینما را مأموران بستند.»

متم ردیف هشتم، بنام سرهنگ سیاوش امینی

آقای امینی نیز در جایگاه متهمین حاضر شد و از جمله گفت: «دوازده سال قبل به مدت ۶ ماه به همراه گروهی دیگر از افسران در اسرائیل دوره دیدم.»

دادستان دادگاه در توضیح پرونده این متهم گفت: «وی در زمان ستوان دوم در ساواک دوره دیده و در سال ۵۰ با کسب اجازه از شاه به منظور طی دوره به کشور مبرورین اعزام شده و پس از کسب رهن کردیم و فهمیدیم منظور از «مبرورین» کشور اسرائیل است. در سال ۵۶ و ۵۷ از شاه ترافع گرفته و بخاطر جشنهای ۲۵۰۰ ساله تسویق شده و به ساواک گزارش داده است که در آتش سوژی سینما رکس یب متهم کرده بودند...»

شرکت گسترده ساواک در طراحی عملیات

دادستان دادگاه سینما رکس آبادان در چهارمین روز محاکمه عاملان این جنایت به نوار و اسناد و مدارکی که از ساواک و شهربانی آبادان به دست آمده است، اشاره کرد و گفت:

«این نوار در حدود ۴ ساعت است و در آن مقالات سرهنگ امینی و سرگرد یکرستان بوده و دقیقاً گویاست که با کمک از یک خانم و عملیاتی که ساواک ترتیب میدهد بوسیله همین خانم فعالیت می کنند. فعالیت ساواک و شهربانی در شناسایی این افراد حاکی از این بوده است، که ساواک در جریان جزئیات این فاجعه بوده است و در آبادان عملیات گسترده خاصی را بنام (عملیات سیلا) داشته اند.»

دادستان در این جلسه به فعالیت ساواک و رژیم ضد خلقی شاه و کارهای ضد مردمی عاملان این جنایت و حشیانه و ضد بشری اشاره کرد و در این باره مطالب مشروحه را بیان داشت.

طبقه کارگر مبارز ایران، در لرد امپریالیسم، سرگردگی امپریالیسم آمریکا، و دفاع از انقلاب و جمهوری اسلامی ایران موفقتر باشید. آرزو داریم که شور و شوق انقلابی و انرژی جوشان شما دختران و پسران جوان، زورمند مبارزه در راه ریشه کن ساختن تسلط امپریالیسم و پسا ایگانه های اجتماعی آن در زمین ما سرمایه داری بزرگ و وابسته و بزرگ مالکی - منفر ساختن سرمایه داری لیبرال و پیشرفت همه جانبه اجتماعی بسود زحمتکشان جامعه را تسریع کند.

آرزو داریم که زیر رهبری حزب توده ایران و با پیروی از جهان بینی علمی و مشی اصولی و انقلابی حزب پرافتخار ما، در امر متحد ساختن توده های جوان میهن ما در جبهه متحد خلق کامیاب باشید.

زنده باد سازمان جوانان توده ایران!
کمیته مرکزی حزب توده ایران
دیپارول: نورالدین کیانوری
۹ شهریور ۱۳۵۹

در آستانه کودتای ۲۸ مرداد، کودتاجیان جو ضد توده ای و ضد شوروی را تشدید کردند بهوش باشیم تا تجربه ۲۸ مرداد تکرار نشود

در روزهای پیش از ۲۸ مرداد ۱۳۳۲ میل امپریالیسم آمریکا (سفر آمریکا در ایران، لوی هدرسن، کارمند سیا، کریمت روزوت و دیگران) یکمک هسب دست نشان (تظیر یقانیها) جو شدید ضد توده ای و ضد شوروی را ایجاد کرده، پیوسته دامن میزدند. آنها از این جو ضد توده ای و ضد انقلابی، از یکسو برای تحریک احیای عناصر ناآگاه (بویژه در ارتش، ژاندارمری و شهربانی) استفاده میکردند، از سوی دیگر تعابلات سازشکارانه نسبت به امپریالیسم و شک و سوسطن نسبت به نیروهای پیشرو انقلابی را، که در سران حکومت وجود داشت، تشدید می کردند.

لوی هدرسن، عصر روز ۲۷ مرداد ۱۳۳۲، در ملاقات خود با مصدق او را از «تاکتیک روسی» و «تسلط حزب توده» متراساند و با «نحن شدید تهدید میکند» نتیجه این شد که هنوز سفیر آمریکا منزل مصدق را ترک نکرده، به شهربانی دستور داده میشود و بلافاصله فرمانداری نظامی فرمان صادر می کند و هر نوع تظاهرات ضد درباری قذف اعلام میگردد.

کودتاجیان درست منتظر همین فرمان بودند، زیرا دستوریکه قبلاً رئیس شهربانی درباره جلوگیری از تظاهرات توده ای داده بود، کاملاً معرکه بود و جنبه علنی و رسمی نداشت. با این فرمان رسمی فرمانداری نظامی حکومت مصدق، در واقع همه جنایات کودتاجیان علیه مردم ویرای انجام کودتا صورت «رسمی» و «قانونی» پیدا میکرد. این فرمانداری نظامی دولت مصدق دست نیروهای پیشروی انقلابی را

در روزهای پیش از ۲۸ مرداد ۱۳۳۲ میل امپریالیسم آمریکا (سفر آمریکا در ایران، لوی هدرسن، کارمند سیا، کریمت روزوت و دیگران) یکمک هسب دست نشان (تظیر یقانیها) جو شدید ضد توده ای و ضد شوروی را ایجاد کرده، پیوسته دامن میزدند. آنها از این جو ضد توده ای و ضد انقلابی، از یکسو برای تحریک احیای عناصر ناآگاه (بویژه در ارتش، ژاندارمری و شهربانی) استفاده میکردند، از سوی دیگر تعابلات سازشکارانه نسبت به امپریالیسم و شک و سوسطن نسبت به نیروهای پیشرو انقلابی را، که در سران حکومت وجود داشت، تشدید می کردند.

لوی هدرسن، عصر روز ۲۷ مرداد ۱۳۳۲، در ملاقات خود با مصدق او را از «تاکتیک روسی» و «تسلط حزب توده» متراساند و با «نحن شدید تهدید میکند» نتیجه این شد که هنوز سفیر آمریکا منزل مصدق را ترک نکرده، به شهربانی دستور داده میشود و بلافاصله فرمانداری نظامی فرمان صادر می کند و هر نوع تظاهرات ضد درباری قذف اعلام میگردد.

کودتاجیان درست منتظر همین فرمان بودند، زیرا دستوریکه قبلاً رئیس شهربانی درباره جلوگیری از تظاهرات توده ای داده بود، کاملاً معرکه بود و جنبه علنی و رسمی نداشت. با این فرمان رسمی فرمانداری نظامی حکومت مصدق، در واقع همه جنایات کودتاجیان علیه مردم ویرای انجام کودتا صورت «رسمی» و «قانونی» پیدا میکرد. این فرمانداری نظامی دولت مصدق دست نیروهای پیشروی انقلابی را

حدود ساعت ۱۰ شب روز سه شنبه ۲۸ مرداد، عدای از افسران غیرمسئول و ضد انقلابی بار دیگر، علیرغم سخنان دادستان کل کشور مبنی بر اینکه حمله به گروهها در خط امام نیست، به دفتر حزب توده ایران در مسجد سلمان یوش بردند و پس از تخریب در و پنجره های دفتر، کتب و نشریات موجود را در مقابل دفتر به آتش کشیدند. سازمان حزب توده ایران در

است. سازمان جوانان و دانشجویان دمکرات ایران، که در عمل صداقت انقلابی خویش را در وفاداری به آرمان طبقه کارگر ایران به ثبوت رسانده است، اجازه می خواهد که به صف سازمان جوانان توده ایران پیوندد و بکوشد تا در سنگر سازمان جوانان توده ایران و تحت رهبری مستقیم حزب توده ایران، به رزم خویش علیه امپریالیسم و ارتجاع و بخاطر ایجاد ایرانی مستقل، آباد و آزاد و فارغ از ستم طبقاتی ادامه دهد.

رقتا! ما امیدواریم که بتوانیم

شاید نام پرافتخار سازمان جوانان توده ایران باسیم و به شباهت رهبران برترزل را طبقه کارگر ایران، با تمامی نیرو و توان خود در سنگر حماسه آفرین حزب آن، حزب توده ایران، به سپین، مردم و طبقه کارگر ایران خدمت کنیم.

زنده باد حزب توده ایران، حزب طراز نوین طبقه کارگر ایران! در اهتزاز یاد پرچم پرافتخار سازمان جوانان توده ایران!

سازمان جوانان و دانشجویان دمکرات ایران
دیر اول
کیومرث زرشناس
۱۳۵۹ ر ۲۵

حمله به دفتر حزب توده ایران در مسجد سلیمان

حمله بدناثر حزب توده ایران همچنان ادامه دارد

حدود ساعت ۱۰ شب روز سه شنبه ۲۸ مرداد، عدای از افسران غیرمسئول و ضد انقلابی بار دیگر، علیرغم سخنان دادستان کل کشور مبنی بر اینکه حمله به گروهها در خط امام نیست، به دفتر حزب توده ایران در مسجد سلمان یوش بردند و پس از تخریب در و پنجره های دفتر، کتب و نشریات موجود را در مقابل دفتر به آتش کشیدند. سازمان حزب توده ایران در

است. سازمان جوانان و دانشجویان دمکرات ایران، که در عمل صداقت انقلابی خویش را در وفاداری به آرمان طبقه کارگر ایران به ثبوت رسانده است، اجازه می خواهد که به صف سازمان جوانان توده ایران پیوندد و بکوشد تا در سنگر سازمان جوانان توده ایران و تحت رهبری مستقیم حزب توده ایران، به رزم خویش علیه امپریالیسم و ارتجاع و بخاطر ایجاد ایرانی مستقل، آباد و آزاد و فارغ از ستم طبقاتی ادامه دهد.

رقتا! ما امیدواریم که بتوانیم